

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۱۱ \* ( ۲ صفر ۱۳۵۱ )

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس .
- (۲) تصویب يك فقره مرخصی .
- (۳) شور اول عهدنامه حكومت بين ايران و تركيه .
- (۴) تصویب عهدنامه بين ايران و نورو .
- (۵) تقدیم چند فقره لایحه از طرف آقای معاون وزارت مالیه .
- (۶) شور و تصویب لایحه اجازه مبادله املاك قرام با الاك خاصه
- (۷) قبه شور لایحه مجازات مركبین قاچاق اجناس ممنوعه .
- (۸) اعلام وصول لایحه تفریح بودجه ۱۳۰۹ مجلس .
- (۹) مواع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۵ خرداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \* \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - وقتی که صورت مجلس قرائت شد اکثریت نبوده که بنده تصویب آنرا اعلام کنم حالا اگر نظری نیست صورت مجلس را تصویب شده فرض کنیم (صحیح است)

رئیس - خبری از کمسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

### [ ۲ - تصویب يك فقره مرخصی ]

خبر مرخصی آقای اقبال  
نماینده محترم آقای اقبال بواسطه کسالت شدید و گرفتاریهای

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - قبل از دستور

رئیس - آقای دکتر ملك زاده

دکتر ملك زاده - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ( گفته شد -

خیر ) ولی هنوز گویا نمیتوان رأی گرفت عده برای

تصویب کافی نیست

\* \* \* عین مذاکرات مشروح نودمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - محیط

غائبین بی اجازه - آقایان : تیمورتاش - حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر امیراعلم - فرونی - طالش خان - دکتر انعمان

کفائی - رهنما - عبدالحمید خان دیبا - حکمت

دیر آمده بی اجازه - آقای ایقوانی .



علی تقاضای ۵۸ روز مرخصی از تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۰ نموده و مبلغ دو هزار و نهصد ریال از مقرری اینمدت را هم بصرفه جوئی بودجه ۱۳۱۱ مجلس مقدس اختصاص داده اند - کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

**رئیس** - منظور این است که از نصف حقوق خودشان در این مرخصی صرف نظر کرده اند . آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند ( اغلب برخاستند ) تصویب شد

[ ۳ - شری اول عهد نامه حکمت بین ایران و ترکیه ]  
**رئیس** - خبر کمیسیون خارجه راجع به لایحه حکمت و اصلاح امور قضائی و اختلافات بین ایران و ترکیه رسیده است قرائت میشود :

**خبر کمیسیون** :  
کمیسیون امور خارجه لایحه دولت را راجع بعهد نامه حکمت بین ایران و ترکیه با حضور آقای وزیر امور خارجه مورد بحث قرار داده ماده واحده ذیل را تصویب و به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد .

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه حکمت و اصلاح و تسویه قضائی اختلافات بین ایران و ترکیه را مشتمل بر ۲۶ ماده که در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۳۲ مطابق دوم بهمن ماه ۱۳۱۰ شمسی بین دولتین ایران و ترکیه امضا شده است تصویب و بدولت اجازه مبادله اسناد صحه شده آنرا میدهد .

**رئیس** - در مواد يك و دو و سه و چهار و پنج الی ماده بیست و شش هیچگونه اعتراضی نیست ؟ ( گفته شد - خیر ) اعتراضی ندارید ( گفتند - خیر ) در کلیات هم اعتراضی رسیده است ( صحیح است ) در مواد هم اعتراضی رسیده است . رأی میگیریم بفرود در شور مواد آقایانکه موافقت دارند قیام فرمایند .

( اکثر قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد . در مواد هم بطوریکه عرض کردم اعتراضی رسیده است آقایانی که باورود در شور دوم

زهاب را دولت به بعضی از رعایا مجاز باشد و بشود بفروشد برای اینکه خودشان بتوانند آباد کنند . يك لایحه هم هست برای فروش خالصجات خوار برعایای آنجا و دیگر لایحه برای مدتی که مستخدمی مریض میشود برای پرداخت حقوق آن مستخدم و لایحه دیگری هم برای خرید يك قایق برای اداره گمرک است به مبلغ ده هزار ریال . يك لایحه دیگری هم برای اعتباری است که برای انبار خواسته شده است که از فروش جنس يك مبالغی برای ساختمان انبار و وسعت دادن بناها غلغله که گنجایش مقداری جنس برای آذوقه یکسال داشته باشد تهیه شود . يك لایحه دیگری است که تقدیم میشود برای تبدیل املاک آقای میرزا ابراهیم خان قوام با خالصجات املاک دولت در حدود خراسان و يك مقداری هم در طهران و کاشان . این لایحه آخری با قید دو فوریت تقدیم میشود .

**رئیس** - لایحه اخیر است که تقاضای فوریت فرموده اید ؟

**معاون وزارت مالیه - بیلی**  
[ ۶ - طرح و تصویب اجازه مبادله املاک قوام با املاک خالصه ]

**رئیس** - قرائت میشود  
ساحت محترم مجلس شورای ملی  
چون دولت مقتضی دانسته است که علاقه آب و خاکی آقای میرزا ابراهیم خان قوام از شبراز به نقطه دیگر ملکات انتقال یابد ماده واحده ذیل را بقید دو فوریت تقدیم و تصویب آنرا تقاضا مینمایم :

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده میشود کلیه علاقه آب و خاکی آقای میرزا ابراهیم خان قوام واقعه در ایالت فارس را بموجب قبانه رسمی با رقبات خالصه دولت از زمین و آب و قنات و غیره واقعه در اشرف و سمنان و دامغان و نیشابور و کاشان و تورقوز آباد واقعه در غار ساخذ معادله عواید آنها ( عایدی بمایندی ) معاوضه نموده علاقه آب و خاکی مزبور را در دفتر رقبات خالصجات ملکیتی بمالکیت دولت ثبت کند و رقبات واگذار شده

را بمالکیت آقای قوام بشناسد در موقع محاسبه هرگاه علاقه یارقبه امانی عمل شده باشد بهره مالکانه سال ۱۳۱۰ آن املاک عمل است و هرگاه باجاره عمل شده باشد مال الاجاره سال ۱۳۱۱ آن چنانچه در نتیجه محاسبه مزبور عواید علاقه آقای قوام بر عواید رقبات دولتی مذکوره در این قانون زیادتی داشته باشد وزارت مالیه مجاز خواهد بود بهمان مأخذ سابق الذکر تا میزان مابه التفاوت از رقبات خالصجات قاسم آبد شاهی مرفین آباد و علی آباد طهرانچه واقعه در غار بر رقبات مفسده سابق الذکر که بمالکیت به آقای قوام منتقل میشود بیفزاید هر يك از طرفین مکلف است املاک و رقبات واگذاری را ثبت شده تسلیم طرف دیگر نماید و یا آنکه مخارج ثبت آنرا خود بعهده بگیرد .

**رئیس** - مذاکره در فوریت است . آقای دکتر طهری  
**دکتر طهری** - موافقم

**رئیس** - آقای کازرونی  
**کازرونی** - موافقم

**رئیس** - آقای دشتی

**دشتی** - مخالفم . به عقیده بنده اصل این کار خیلی خوب است ولی در فوریتش بنده صحبت میکنم که غالباً لوائح فوری يك لواجبی است که اگر بفوری نکند يك ضرری متوجه دولت میشود بنده میخواهم از آقای معاون وزارت مالیه بپرسم که علت فوریت این لایحه چیست ؟ البته در این لایحه يك قدری مطالعه شود بمتر است ( صحیح است ) و دلیلش هم بر فوریتش نیست برای اینکه این مسئله مبادله املاک خصوصاً مبادله املاک آقای قوام تقریباً بیش از يك ماه و نیم دوامه است که در وزارت مالیه در جریان و مورد مطالعه است و اگر تأخیری در این مسئله بیفتد بنده تصور نمیکنم ضرری متوجه مملکت بشود مگر اینکه يك دلالی داشته باشند که دائر فوریت باشد

**معاون وزارت مالیه** - چون املاک آقای قوام قسمت عمده اش در گرم سیر است و قسمت عمده محصولش رسیده است

و باید محصول آنجا ضبط شود و اگر تاخیری در اینکار بشود چون محصول آنجا تریاک و گندم است تمام میشود و چیزی بدست نمیآید یعنی مامورین مالیه باید آنها را متصرف شوند و محصولات را ضبط کنند باین جهت تقاضای فوریت شده است.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده عقیده ام این است که همانطور که آقای دشتی فرمودند عقیده دارم که این لایحه چون برای اولین دفعه است و ملایک عمل میشود خوبست آقایان اجازه بدهند که بیشتر درش مطالعه بشود. يك فوریتش را اشکال ندارد تصویب کنیم که در واقع يك شوری شده باشد و يك مرتبه بکمسیون برود این جا آقای معاون وزارت مالیه دلیلی را که آوردند برای فوریت و محصول را فرمودند این هم اشکال ندارد امسال هم به ترتیبی که عمل شده است بشود و ما از سال آتی عمل کنیم که اگر عایدی و قیمت آنها يك چیز هائی است که در کمسیون که برود ممکن است يك اطلاعاتی درش پیدا شود باینجهت بنده موافقم که يك فوریتش در مجلس تصویب شود و يك فوریت دیگرش بعد بکمسیون قوانین مالیه ارجاع شود و بعد بیاید بمجلس

رئیس کل تجارت - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

رئیس کل تجارت - عرض کنم این مسئله مبادله يك چیزی است که بتراضی طرفین یعنی دولت و آقای قوام واقع شده است و بعقیده بنده دیگر نیایستی مباحثات مفصلی داشته باشد. دولت نظر به مصاحبتی فوریت این را تقاضا کرده است اگر آقایان اعتماد بدولت دارند باید تقاضای دولت را بپذیرند و اگر آقایان اعتماد ندارند که آن ترتیب دیگری دارد این مبادله نظایر دارد باید تصدیق بفرمائید که این قبیل مسائل را دولت صلاح و مصلحت

میداند و خود آقای قوام هم مصلحتشان را در این مبادله میدانند

رئیس - آقای افسر

افسر - بعد از فوریت بنده در اصل لایحه نظر دارم و حرف میزنم

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم که حقیقتاً يك وقتی است که آدم میخواهد سؤال و جواب کند باهم از این جوابی که فرمودند تشکر میکنم. قصد این است آقایان؟ اگر قصد این باشد که خیلی سؤال و جوابها میشود کرد آقای ولی اگر برای این باشد که طرف را اقتناع کند بعقیده بنده دو کلمه، طلب کفی است. آقای معاون وزارت مالیه در جوابی که به بنده دادند فرمودند چون املاک آقای قوام کرمسیری است باین جهت تقاضای فوریت شده است. ملاحظه بفرمائید آقای بهیچوجه این دلیل متناسب با مطلب نیست برای اینکه تفاوت بکفته بنظر بنده محصول را از بین نمبرد علاوه بر این الان شما میفرمائید عمل شده است. دولت برود عماش را بکند و املاک آقای قوام را بگیرد و محصولاتش را هم بر دارد و بگذارد ما لایحه را مطالعه کنیم. این جواب آقای معاون وزارت مالیه بعقیده بنده بهیچوجه مقنع نبود اما جوابی که آقای باسائی دادند کار را بدتر کرد ایشان فرمودند اگر مجلس شورای ملی بدولت اعتماد دارد باید تقاضای دولت را در فوریت بپذیرد. آقای مجلس شورای ملی بدولت اعتماد دارد ولی ممکن است دولت اشتباه کرده باشد شما بالاخره لایحه را که می آورید بمجلس باید نمایندگان درش مطالعه کنند و از طرفی دیگر میگوئید اگر بدولت اعتماد دارید باید این را تصویب کنید خوب پس ما کارهایمان را بگذاریم

اینجا و هر لایحه که شما آوردید بدون بحث رأی بدهیم ما البته بدولت اعتماد داریم ولی مجلس شورای ملی برای بحث است اصلاً این دلیل نشد که چون شما اعتماد بدولت دارید نباید بحث کنید اینکه نمیشود آقای مجلس شورای ملی علت غائیش این است که ما بطلب توجه کنیم و بحث کنیم آقای بنده هم بهیچوجه موافق با این نیستیم یعنی منتظر نبودم که یکنفر مثل آقای باسائی این فرمایش را بفرمایند برای اینکه ایشان خودشان پارلمانی هستند و بنده از این حرف خیلی تعجب میکنم!! شما اگر دلائل فوریت دارید بگوئید باین دلیل باین دلیل ما این را فوری تقاضا کرده ایم و اگر تاخیری پیدا شد برای ملک ضرر هائی دارد و اگر این دلیل را ندارید چه ضریح دارد بماند سه شنبه هم مجلس خواهد بود آنوقت بعد از مطالعه مطرح شود تا بکشنبه هم تصور نمیکنم ضرر عمده بمملکت برسد (یکی از نمایندگان - پنج شنبه هم میشود آقای) خوب روز پنجشنبه میشود دیگر بهتر پنجشنبه مطرح میشود دیگر از سه شنبه تا پنجشنبه بنده تصور نمیکنم که صدمتهای باین سطح معاملات وارد باید بنده خیال میکنم که آقایان نمایندگان صد درصد با اصل این لایحه موافق باشند و همه ما هم موافقیم (صحیح است)

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده تعجب میکنم که آقایان میگویند بااصل لایحه صد موافقیم ولی با فوریتش مخالفیم لوابحی که البته قابل بحث است يك لوايح مهمی است لوايح تجارتي است لوايح اقتصادي است لوايح مالی است لیکن این فقط يك مبادله است يك مبادله ملک بملك است چون در قانون اساسی تصریح شده است که املاک دولتی را وقتی که انتقال میدهند باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد این است که این لایحه هم آمده است بمجلس که در این مبادله دولت اجازه داشته باشد پس در اصلش حقیقتاً وقتی ما موافق هستیم دیگر در فوریتش چه اشکالی دارد بنا بر این

بفوریت رأی میدهم بعد در ماده بحث میکنیم صحبت میکنیم و اگر اشکالی هست اصلاح میکنیم لیکن دولت لابد يك سیاستی داشته است که فوریت این لایحه را تقاضا کرده است و شاید هم مقتضی نباشد آن سیاست در مجلس اظهار شود از این جهت بنده عقیده ام این است که اجازه بدهید وارد اصل قضیه بشویم آنوقت اگر اشکالی دارید بفرمائید

رئیس - آقایانیکه با فوریت اول موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است. آقای وثوق.

وثوق - بنده موافقم.

رئیس - آقای دشتی.

دشتی - آقای مؤید احمدی استدلال وارونه میکند میگوید در اصل لایحه که موافقیم در فوریت مخالفیم پس بفوریت رأی بدهیم آنوقت در اصل لایحه صحبت میکنیم بنده بالایحه موافقم صحبتی ندارم در لایحه بکم وقتیکه آدم خود را مصمم میکند که بی ربط مخالفت کند و بی ربط موافقت کند اینطور میشود ملاحظه بفرمائید استدلال آقای مؤید احمدی را میگویند در فوریت لایحه که مخالفید رای بدهید آنوقت در اصل لایحه که موافقت مخالفت کنید این است استدلال ایشان.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - اظهار آقای دشتی عیناً برعکس در بخوردشان که میفرمایند با لایحه موافقم ولی با فوریتش مخالفم.

رئیس - مخالف دیگری نیست؟ خیر آقایانی که فوریت ثانی را تصدیق میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده را يك بار دیگر قرائت میکنیم و رای میگیریم

(بترتیب سابق قرائت شد)

**رئیس** - مذاکره در ماده واحده است. آقای افسر  
**افسر** - بنده این عرض را که میکنم چون اطلاع کافی از دو طرف ندارم نمیخواهم استفاده کرده باشم ولی میخواستم سؤال بکنم و یک توضیحی داده شود که در رای دادن فقط با اعتماد دولت تنها نباشد خودم هم از روی اطلاع رای بدهم یعنی حقیقه ایمن آورده باشم اینجا نوشته است املاک را عایدی بعایدی باید برابر کرد اصلاحه آقایان میدانید که املاک مملکت ما اینطور نیست که همه عایداتش بایکدیگر متناسب باشد املاک کاشان معلوم نیست که صدی هشت بیشتر عایدی داشته باشد در سمنان صدی پنج در خوار چون نمیدانم اظهار عقیده نمیکنم در جنوب هم اطلاعی ندارم و بالاخره نمیشود عایدی عایدی فرض کرد عرض میکنم بالاخره اینها را اگر قیمت کنیم در معامله و در مقابله بهتر است اما عایدی بعایدی اشکال دارد بنابراین در این معامله ممکن است دولت مغبون شود یا ممکن است آقای قوام مغبون شود ولی بالاخره این معادله که بعنوان عایدی باشد ابتدا موافق نیست ولایاتش با هم فرق دارد یک جا صدی شش عایدی دارد یک جا صدی بیست و پنج این را درست به بنده بفرمایند که علت اینکه این را رجیح داده اید بر قیمت املاک چیست.

**رئیس کل تجارت** - درست بنده خاطر من نیست که چه املاکی است ولی آنچه نظرم هست در نیشابور یا جاهای دیگر خالصه های مهم است در هر حال آنچه که دولت در نیشابور خالصه داشته است طرف این معامله قرار داده است آری عایدیش که اجاره بوده است در سال ۲۵ هزار تومان بود در هر حال اینکه در اینجا فرمودند که چه شده است عایدی ملک را در نظر گرفته اند نه قیمت جنس را نه اینکه ملک هم در نظر گرفته نشده باشد منتها به تناسب عایدی قیمت هر ملک را در هر موقع معین میکند و یک ملاک تقویم پیش هر خبره و پیش هر مقومی عایدی آن ملک است در هر ملک به تناسب خودش در

نیشابور ممکن است یک املاک مزروعی باشد که عایدیش هم کم باشد ولی به تناسب همان عایدی معامله میکنند و قیمت معین میکنند بنا بر این یک املاکی بیک تناسبی عایداتی دارند مقوم و خبره هم عایدیش را حساب میکنند در هر صورت بدون جلب نظر مقوم و خبره این مبادله معامله بعمل نخواهد آمد بنده تصور میکنم آقایان تصدیق بفرمایند که آقای وزیر مالیه از نقطه نظر صرفه جوئی خیلی در این مسائل دقیق هستند و آقای قوام هم البته که خودشان یک طرف معامله هستند صرفه خودشان را ملاحظه خواهند کرد بنابراین بنده تصور میکنم دیگر تکراری در کار نباید باشد زیرا وقتی که تراضی شد مشکلات حل میشود.

**افسر** - اتفاقاً جنابعالی هم باینده موافقت و هر دو مان با لایحه مخالفیم.

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - بنده هم اشکالی را که در لایحه داشتیم همین نظری بود که آقای افسر فرمودند توضیح کافی داده نشده عایدی بعایدی این البته در قسمت نقد فرق نمیکند ولی در قسمت جنس فرق میکند زیرا قیمت جنس در هر نقطه مختلف است و متفاوت است این چه طور عمل میشود با چه ترتیبی عمل میشود این را خوب بود توضیح میدادید که مقصود چیست.

**معاون وزارت مالیه** - برای اینکه دولت در نظر داشته است که این کار زودتر انجام شود اقدام به تقویم کرده است و البته آقای قوام هم مایل بودند باین کار املاک آقای قوام در چند بلوک مختلف است و عایدات اینها و قیمتشان و اینکه آبی هستند یا دیمی هستند تمام تحقیقات بعمل آمده و با این ملاحظاتی که شده و این املاک که در عوض بایشان داده میشود در یک نقطه معین نیست از چند نقطه نظر است که برای همین تغییر که میفرمائید تعادل میکند عایدی بعایدی و البته در این نقاط رعایت تفاوت قیمت هم شده است.

**رئیس** - آقای دبیا**دبیا** - بنده با لایحه موافقم و دولت در اطراف این

معامله از مدتی با بنظر طرف وارد مذاکره بوده است و با تراضی طرفین آقای قوام هم راضی شده اند ولی این ماده واحده بعقیده بنده یک نقضی دارد که باید اصلاح شود و آن این است که ذکر نشده است که این تقویم را کی باید بکنند و باید معین شود که این تقویم را وزارت مالیه یا هیئت وزراء تعیین کنند البته در خود ماده واحده بایستی تصریح شود و عقیده بنده این است که در ماده بصورت تبصره نوشته شود اما راجع بعایدی در اینجا فقط راجع بعایدی نوشته شده قیمت ملک هم بعایدی معین نشده بلکه با محل و وضعیت آن ملک است مثلاً ممکن است در شیراز یک ملک هزار تومان عایدی داشته باشد ولی ممکن است بیست هزار تومان قیمت داشته باشد و البته نسبت بوضعیت هر محل قیمت املاک متفاوت است چون در اینجا نوشته آن محل هزار تومان این محل هم هزار تومان و بعقیده بنده بیک ترتیبی باید اصلاح کرد که عواقب مطلق نباشد زیرا ممکن است که بضرر دولت باشد و از طرفی هم ممکن است ضرر طرف دیگر باشد یک پیشنهادی هم تقدیم کرده ام این است عرض بنده.

**رئیس کل تجارت** - مطابق توضیحاتی که آقای معاون دادند مطلب این است که دولت عوائد املاک خالصه که در نقاط مختلفه دارد و عوائد املاک ایشان را در نقاط مختلفه فارس با تفاوت صورت ظاهری این املاک تحدید نموده و با تحقیقاتی که از اهل محل شده است دقت کرده اند و سنجیده اند و بر آورد کرده اند و معادله شده است و بعقیده بنده دیگر احتیاجی ندارد باینکه مقوم معین شود زیرا قبلاً تمام این عملیات شده است که هیچ ضرری متوجه ایشان نشده باشد و همچنین متوجه دولت و تصور میکنم که منظور آقایان تأمین شده باشد و با این مقدمات البته کاملاً بمنفع طرفین بوده است.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - عرض میکنم که این جواب آقای یاسائی و آقای معاون وزارت مالیه در جواب فرمایش

آقایان بنده را قانع نکرد بعلم اینکه آقایان اغلب نماینده های ولایات هستند و اغلب هم یک خورده ملکی دارند البته املاک ایران متفاوت است مثلاً بنده از کرمان اطلاع دارم ملک داریم که هزار تومان قیمتش است در سال بیست تومان عایدیش است ملک هم داریم که هزار تومان قیمتش است و صد تومان عایدیش است همه ولایات بلکه اغلب اینطور است آنوقت عایدی را ما نحن مبادله قیمت قرار دادن بعقیده بنده بضرر دولت یا بضرر آقای قوام فرقی نمیکند برای اینکه عایدی خیلی فرق دارد کار یکشاهی و صد دینار نیست آقای سیاح خودشان در کرمان بودند میدانند که یک ملک است که جریبی دویست تومان قیمت دارد و ده دو عایدی دارد و ملک دیگری هست هزار تومان قیمتش است و بیست تومان عایدات دارد آنوقت ما عایدات را ماخذ قیمت قرار دهیم مسلماً یک طرف مغبون خواهد شد چون بنده لایحه دولت را که می بینم معلوم میشود که عایدات را هم در نظر نداشته اند یا فراموش شده است چون بعد نوشته شده است عقیده بنده همان پیشنهاد آقای افسر است که یک تبصره در ماده بنویسیم که مقوم معین شود و اهل خبره معین شوند که تمام این قسمتها را در نظر بگیرند لیکن همینطور یکسر عایدی را ماخذ قرار دادن در هر صورت با بدولت ضرر خواهد خورد یا به آقای قوام این یک موضوع موضوع دوم عرض بنده این است که نوشته است در صورتی که املاک امانی باشد در ۱۳۱۰ ماخذ امانی و اگر اجاره باشد در ۱۳۱۱ ماخذ اجاره. فرض کنید اجاره بوده در فروردین ۱۳۱۰ منقضی شده است این را چه باید کرد آن نه امانی است و نه اجاره پس باید در جمله اول ماده نوشت اعم از امانی یا اجاره از ۱۳۱۱ اما آن موضوع عایدی بنده تصور میکنم چیز خوبی نیست یا اینکه یک مقومی را تعیین کنید یا قیمت املاک هر شهری را تعیین کنید و الا همین طور عایدی بعایدی این چیز خوبی نیست

**رئیس کل تجارت** - عرض میکنم اینکه فرمودند عایدی بعایدی همانطور که عرض کردم گویا درست توجه نفرمودند بعضی نقاط که قیمتش با عایدیش اختلاف داشته باشد قیمتش چیست و عایدیش چیست ملاحظه شده



و همین جهت است که املاکی در نظر گرفته میشود که در جاهای مختلف باشد که کاملاً با هم تطبیق شده باشد حالا اگر بخواهیم این مبادله را تقویم کنیم در يك مورد دیگری که الان دولت مشغول است موجب زحمت و مشکلاتی است که اسباب تاخیر خواهد شد و پیشرفت نخواهد کرد یعنی خرج زیاد از برای دولت پیدا میکند و اما آن قسمتی را که فرمودید عایدات ۳۱۰ اگر عملی باشد موافقم بنده که عملی بفرمائید ولی ما آنچه را که در نظر گرفتیم جائی ندارد که در ۱۳۱۰ اجارهای تمام شده باشد و ۱۳۱۱ هم در اجاره است و غالب املاکی هم که در اجاره است ماخذ اجاره آنها معلوم است

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده هم موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده در مورد بحث در فوریت اجازه خواسته بودم که به بنده موقع نرسید ولی راجع باصل مطلب بنظر بنده اصول و قواعد کار پارلمانی مقتضی بود همانطور که در اصل لایحه لائیل خوبی راجع بان اقامه شده راجع بفوریتش هم باید دلالتی باشد که متأسفانه نبود در اینجا بنده می خواستم عرض کنم که بحثی شده است که راجع بتقویم در لایحه اشعاری از آن ندارد لایحه مشعر است باینکه عایدی بعایدی بنده اصلاً فرض این را نمیتوانم بکنم که اعمال این اصل منتهی بضرر هیچیک از طرفین نشود برای اینکه اوضاع و احوال جغرافیائی محلی در نقاط مختلفه يك تفاوتها می کنند که منتهی بضرر يك طرف میشود حالا بنده باین کار ندارم ملاحظه بفرمائید در اینجا نوشته نشده است که این املاک در کجای فارس است در مرکز فارس چقدر و در غیر آن چقدر است و تخمی چند تخم میدهد مثلاً بنده حالا يك مطلبی را عرض میکنم آقایان توجه بفرمائید

مثلاً در فارس خیلی از نقاط هست که تخمی پنجاه تخم میدهد ولی در سمنان همچو جائی نیست و البته آن ملک که تخمی پنجاه تخم میدهد تخم می دهد قیمتش با آن ملک که خیلی کمتر از این میدهد تفاوت دارد بنده عرض میکنم که اصلاً وضع مجلس برای این است بحث شود در کلیه اموری که مورد شور واقع میشود این لایحه که پیشنهاد شده است موضوعی را برای مشورت باقی نگذاشته است بنابر این بنده طرفدار عقیده آقای دیبا هستم و معتقد هم هستم بلزوم این کار و دلائلش را هم میدانم که چرا وصحیح هم هست اما لزوم چنین اصلی مستلزم این نیست که لایحه طوری تدوین شود که منتهی بضرر یکی از طرفین باشد بنابر این بنده معتقد هستم که بایستی بنظر خبره این کار بشود يك ملک که در جنوب پنجاه هزار تومان قیمت دارد اگر بخواهیم از حیث عایدات مقایسه کنیم با دویست هزار تومان املاکی که در اطراف طهران هست مقابله و معادله نمیکند پس بنده خواهش میکنم که دولت هم باصل تقویم که يك اصل مسلم در تمام دنیا است موافقت بفرمائید و بالاخره معادله و مقابله يك چیزی است که مطابق با يك قیمتی باشد وقتی که این نبود مبادله معنی ندارد

رئیس کل تجارت - عرض میکنم ادله که خود آقای شریعت زاده هم اشاره کردند ایجاد کرده است که این لایحه تقدیم شود و همین جهت فوریتش را هم ایجاد کرده است و حالا اگر دولت بخواهد روبه اتخاذ کند برای تقویم این املاک قلم بقلم یکی یکی تقویم بکنند چهار سال طول میکشد مطابق حسابی که ما کرده ایم بجتهای که بنده از ذکرش خود داری میکنم دولت لازم میدانند که زودتر این مبادله بشود و در عین حال دقت های لازمه از طرف وزارت مالیه و دولت شده است که ملاک عایدی این املاک باشد و با کم و زیادی که هر کدام از املاک طرفین در نقاط مختلفه باهم دارند مثلاً آقای قوام شاید يك املاکی دارند که ممکن است قیمتش کم باشد عایدش زیاد و دولت هم يك املاکی دارد که قیمت زیاد و عایدش کم

است و همینطور که فرمودند در سمنان قیمت زیاد است و عایدی کم و همچنین در جاهای دیگر در نیشابور و همینطور در فارس هم نقاط مختلفه است که ممکن است خوب عمل نکنند خوب یکسال هم باران نمی آید خیلی آنها از بین می رود در هر صورت این مطالعات شده است که معامله بضرر یکی از طرفین تمام نشود و بنده خواهش میکنم که آقایان موافقت بفرمائید همین ترتیبی که دولت تقاضا کرده است لایحه بگذرد و آقایان مطمئن باشند که دقت های لازمه از طرف وزارت مالیه شده است که ضرری بدولت وارد نخواهد شد.

بعضی از نمایندگان - کافی است.

افسر - بنده کافی نمیدانم.

رئیس - چرا کافی نمیدانید بفرمائید.

افسر - حالا بالاخره معلوم شد که در قسمت عمده آقای باستانی با ما موافق هستند عرض کنم علمی ای حال لایحه طوری عبارتش تنظیم شده است کافی و وافی باین منظور نیست ولی بنده عقیده ام این است که بکلی حذف کنیم و دولت خودش میدانند و بالاخره این عایدی چون چیزی نیست که موازنه کنند و امیدوارم که نظایر این قبیل کار را دولت خیلی در مجلس بیاورد و غیر از این اشکالاتی که گفته شد ایرادات دیگری هم هست مثلاً در باب مالیات در باب خالصه در باب هر چه که بنویسیم عایدی دو ساله سه ساله چهار ساله را ماخذ قرار میدهیم اینجا چه شده است که آقای معاون وزارت مالیه آن قوانین خاطرشان رفته و اینجا یکساله تعیین کرده اند میتونسد خدمت وسط عایدات سه ساله الان گندم خرواری چند است ملاحظه بفرمائید یکسال عایدات دست می آید یکسال نمی آید نمیدانم این معادله از روی چه قاعده است اینرا بنویسند از روی سه سال و این لفظ معادله عایدی

بعایدی راهم حذف کنند گمان میکنم بهتر است دولت خودش میدانند مختار است البته هر جور صلاح میدانند مختار است ولی این قیدی که ما تصدیق کنیم که عایدی بعایدی صحیح است و آنها یکساله بدون حد متوسط این برخلاف تمام افکار است که این چند ساله در مجلس داشته ایم.

معاون وزارت مالیه - عایدی بعایدی چنانچه عرض کردم اشکالی ندارد بعلاوه املاک را همی کردیم اظهارنامه دادیم و رسیدگی کردیم و دیدیم که ماخذ عایدی بعایدی بصلاح دولت است راجع به جنس هم این املاک جنس هم دارد و جنس را نکفیم بنرخ امسال یا سال آخر بلکه حد متوسط قائل شدیم بنابراین گمان میکنم اشکالی نباشد که جنس به نرخ متوسط باشد جنس این املاک را حساب میکنیم به نرخ عادلانه بنرخ روز.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید (اغلب قیام نمود) تصویب شد آقای معاون وزارت مالیه نکته را که آقای مؤید احمدی اظهار کردند قبول کردید؟ معاون وزارت مالیه - بله مطلبی را که راجع به ۱۳۱۰ فرمودند که اگر اجاره بوده است و منقضی شده باشد بنده قبول میکنم برای اینکه همچو جاهانی ما نداریم که اجاره اش منقضی شده باشد و اجاره های ۱۳۱۱ معتبر است و باین تذکر مقصود افاضل است و تصور نمیکند از روی داشته باشد که در قانون قید شده معماً ما موکول بنظر آقایان است

رئیس - آقایانیکه با ماده واحد موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد ( اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۸ ورقه سفید تعداد شد ) رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۹۶ با اکثریت هشتاد و چهار رأی تصویب شد \*

رأی دهندگان - آقایان: معتمد سنک - موقر - جلدی - آخوند یار عالی - دهستانی - نقیه - محمد علی میرزا دولتشاهی منقی - میرزا یاس - اعظم زنگنه - طالش خان - میرزا محمد خان وکیل - صفاری - ملک زاده آملی - دکتر سنک - مولوی - ابوالحسن خان پیرزادگان - دکتر شیخ - دکتر سدی - تربیت - چایچی - فتحعلی خان بختیار - قوام - وثوق - ملک مدنی - میرزا سید احمد بهبهانی - هزار جریبی - امیر ابراهیمی - شریفی - اعتبار - نصیری - اقبال - مؤید احمدی - دکتر طاهری - رهبری - سید کاظم یزدی - حاج غلامحسین ملک سید کاظم یزدی - گازیرونی - دکتر ملک زاده - میرزا سید مهدیخان فاطمی - میرزا محمد حسین نواب - دبستانی کرمانی - افسر - علوی سبزواری - مؤدعی دکتر ضیائی - رضا قلیخان باستانی - معتمدی - دبیر سهرابی - اورنگ - فتوحی - بیات ماکو - میرزا صادقخان اکبر - مقدم - سهرابخان ساکینیان سعیدی خراسانی - حسینقلیخان نواب - مجد ضیائی - طهرانی - دادور - طهرانی - امیر عامری - دربانی - دکتر احتشام - امیر حسینخان بختیار میرزا محمد تقی طباطبائی - جمشیدی - نوری - طباطبائی دیبا - اسکندری - خواجوی - حاج میرزا حسینخان فاطمی - ایردی - وهابزاده - نقه الاسلامی مخبر فرهمند - لاریجانی - میرزا حسین خان انشار - طباطبائی وکیل - افغمی - حبیبی - امیر دولتشاهی - حسنعلی میرزا دولتشاهی.



۷ - بقیه شور لایحه مرتکبین قاچاق اشیاء ممنوعه

رئیس - ماده دوم لایحه مجازات مرتکبین قاچاق اشیاء ممنوعه قرائت میشود.

ماده دوم - اجناس مذکور در ماده اول که در ظرف دو ماه از تاریخ انتشار اعلان صورت آنها با اداره کل تجارت بانمایندگان آن اداره تحویل نشده باشد و همچنین اجناسیکه صورت آن داده شده ولی در مدت یکسال از تاریخ اعلان بفروش نرسیده و در ظرف یکماه پس از انقضای مدت مزبوره بمراکز فروش دولتی تحویل نگردیده باشد در حکم قاچاق بوده و باقی دولت ضبط میشود.

مخبر - اجازه مفرمائید لازمه است بواسطه اصلاحی که در ماده اول شد در اینجا هم عبارت در مدت یکسال از تاریخ اعلان مبدل بشود به تا آخر اسفند ۱۳۱۱ چون در ماده اول این اصلاح شد و مدت تا آخر اسفند ۱۳۱۱ تصویب شد اینجا هم تبدیل شود.

رئیس - نظر دولت هم همین است؟

رئیس کل تجارت - بله

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده میخواستم يك توضیحی بخواهم این اجناسیکه مذکور در این ماده است که در ماده صورتش داده نشده باشد و یکسال بعد فروش نرسیده باشد در ظرف یکماه پس از آنکه بفروش حاضر نشود البته مقصود اجناسی است که برای فروش باشد زیرا که ممکن است همین اجناس برای فروش نباشد اجناس ممنوعه را بخواهد ببرد توی خانه اش استعمال کنند اینک هر جا اجناس ممنوعه دیده شود قاچاق است معنی ندارد این باید طوری تصریح شود که اجناسی که میخواهند برای فروش بگذارند باید ضبط شود والا اگر آن اجناس ممنوعه برای فروش نباشد مثلاً میل است توی اطرافش گذارد است چه عیب دارد این باید تصریح شود نه معامه شود شامل آنها میشود.

مخبر - عرض کنم این نظر آقای دکتر در این ماده تأمین شده است ترجمه مفرمائید در ماده دوم نوشته شده است اجناس مذکور در ماده اول که در ظرف دو ماه از تاریخ

که اول لایحه طوری بود که همین ایرادی که حضرت عالی فرمودید وارد بود ولی در این صورتی که اخیراً از کمیسیون بمجلس آمده است این جور چیزها نیست اشیائی را که دولت ممنوع کرده است معین است و البته اعلام میکند و آنها از قبیل مشروبات است پارچه های ابریشمی است از این قبیل چیزها است نه آئینه و جاروچهل چراغ و این جور چیزها يك اشیائی است که دولت معین میکند و آنها را در مدت یکسال باید بفروشد و راجع به سمسار و خاندان هم که فرمودند در کمیسیون هم این مذاکره شد همان محلی که دولت معین میکند که آخر سال باید انحصاراً آن اشیاء را دارد بان محل تحویل بدهند اشیائی که هم در خانه اش دارند اگر احتیاج دارند همین محلی که معین شده است بفروشند دیگر چه لزومی دارد بسمسار و غیره بفروشند.

رئیس - آقای افسر

افسر - آقای مؤید احمدی عراض بنده را فرمودند

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - پیشنهادی از آقای نهرانی رسید است قرائت میشود

تبصره ذیل را به ماده ۲ پیشنهاد میکنم:

تبصره - چادرهای ابریشمی مشکلی مادامیکه در ملکیت بقدر کیفیت تهیه نشود از مقررات این قانون معاف و در عداد اجناسیکه ورود آن مجاز است خواهد بود.

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم که بنده پیروز که این لایحه مطرح بود يك مذاکره ای کردم ولی باینصورت گذشت و البته بنده هم تابع نظریات اکثریت هستم و البته هر چه اکثریت آقویان تصمیم گرفتند غیر از آن نباید باشد ولسی بنده میخواهم عرض کنم مادامیکه چادر سر زن است و خانمهای ما احتیاج دارند این را بکلی ممنوع کردن و جزء قاچاق گذاردن این کار مشکلی است و مردم را خیلی بزحمت می اندازد و خود آقای رئیس کل تجارت هم اینجا

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم البته خاطر آقا مشهور است

فرمودند برای چادر بخصوص يك فکری کرده ایم و يك نظری داریم که يك تسهیلی برای مردم فراهم کنیم و اینجا بنده تصریح کرده ام با ذکر آنکه خود آقای رئیس کل تجارت فرمودند که مقصود ما حمایت از صنایع داخلی است البته با حفظ آن نظر که اگر در مملکت همچو چیزی پیدا شد البته جاویش را میگیرند و با اینکه حمایت دارند از صنایع داخلی گمان میکنم ضرری نداشته باشد که با این موافقت کنند که مردم از این وضع خلاص شوند. الان بنده که صحبت میکردم میفرمودند بعد از این قانون که بمجلس آمده است بآنقدری رزقتر شده. چادر فرق شده است سر و هفت تومان و این محل احتیاج همه است و میدوشتند انکار هم نمیشود کرد حالا اگر در روز دیگر تصمیم گرفتند پارچه دیگر سر کنند با يك چیز دیگر جانشین این شد البته دولت میدید و میگوید بنده این جانشین این شد ولی امروز نمیشود حالا برای آسایش حال مردم خوب است راضی نشویم سیزده تومان را مردم به چهل تومان بخرند.

افسر - بخردن آقا

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - در جواب آقای طهرانی بنده لازم دانستم که در يك کلمه چون اشکال دارم آنرا در این موضوع بعرض برسانم چون مرفوم فرموده اند (چادرهای سیاه) همین دیروز گذشته یکی از تجار بمن يك کاغذی نوشته بود که ما رنگ چادر را نمیتوانیم مشکلی کنیم پارچه های ابریشمی بسیار خوب که برای چادر خوب است و همینطور و برای سایر البسه در یزد و کرمان درست میکنند لیکن مشکلی نمیتوانند بکنند رنگ سیاه نمیتواند بکنند (عراقی سیاه نباشد) (افسر - بسیار خوب سیاه نباشد) عرض کنم اگر رنگ های دیگر باشد خاکستری رنگ سفید و کرم و رنگ های سردمه میشود اما در ایران وسایلی که بتوانند مثل چادر های اروپائی سیاه بکنند نیست بنده عرض میکنم چه دلیل دارد که چادر سیاه باشد؟ (چند نفر از نمایندگان - هیچ) بنده تعجب میکنم در کرمان معمول است زبانی فقیر چادر سفید میپوشند و حالا

شنبه ام که نظمیہ ممنوعشان کرده است الساعة به بنده نوشته بودند که نظمیہ آنجا ممنوعشان کرده است که حتماً باید چادر سیاه سر کنند (بعضی از نمایندگان - چرا) این مأخذ چادر سیاه از کجاست؟ الا اینکه این شکل چادر تا بحال پوشیده اند. آنچه که بنده شنیده ام در زمان بنی عباس معمول شد که زنها چادر سر بکنند و آنها چون شعارشان مسوده بود از این جهت چادر سیاه معمول شد بنابراین بنده عقیده ام این است که اگر این قید را برداریم یعنی چادر های غیر سیاه بیوشند در ایران رنگهای مختلفه درست میشود پارچه های خوب که میتوانند چادر کنند خواستم عرض کنم که موضوع سیاه را باید از میان برداشت و از آنطرف يك اشکال دیگر عرض کنم آقای طهرانی: تا بیابورند ممکن نیست بخرند تا موقعیکه موجود باشد بسر خودتان خودتان صد تومان میدهید يك طاقه میگیرید لیکن وقتی نبود دیگر علاج ندارد آنوقت چادر رنگین میپوشند چادر پنج تومانی میپوشند سه تومانی میپوشند و راحت میشوند بقول يك کسی میگفت عقلمندان کم است زورشان زیاد میروند چادر های سیاه گران میخرند. (صحیح است) پس بهتر این است آقایان که اصلاً چادر کرب درشین و امثال آن وارد نشود تا از همین چادر های ابریشمی وطنی رنگهای مختلف بپوشند هر کس میخواهد سرش میکند.

**رئیس کل تجارت** - عرض کنم بنده نمیتوانم با این پیشنهاد آقای طهرانی موافقت کنم چنانچه در جلسه قبل خدمتشان عرض کردم اصل نظر دولت این است که ما به بنیم احتیاجات مملکت از مصنوعات داخلی مرتفع میشود یا نه و تحقیقاتی هم از یزد و کرمان در جریان است که اگر چنانچه ممکن بشود در داخله چادر هائی برنگهای مختلف تدارک شود دیگر موضوع لزومی ندارد از خارجه وارد شود ولی اگر نشد آنوقت يك فکر دیگری باید کرد ولی اگر در ضمن این اشیاء قید بفرمائید تصدیق بفرمائید مناسب نیست و بنده استدعا میکنم مسترد بفرمائید.

**طهرانی** - بنده پس میگیرم.

**رئیس** - پیشنهادی از آقای دکتر طاهری رسیده است. مقام منبع ریاست دامت عظمة - پیشنهاد میشود بعد از عبارت (اجناس مذکور در ماده اول) اضافه شود: که برای فروش تجارتمی موجود باشد.

**رئیس** - بفرمائید.  
**دکتر طاهری** - برای تامین نظریه که عرض کردم و خود دولت هم موافق است که در ماده اول هم تصریح شده است معذالك برای اینکه اجناس ممنوعه که برای غیر از مصرف فروش باشد بعد دچار زحمت نشود باید تصریح شود که اگر اجناس ممنوعه باشد که برای مصرف فروش و برای امر تجارت نباشد اینها را حق ندارد دولت صادره کند باید تصریح شود.

**مخبر** - مقصود آقا همیشه است و این توضیح واضح است بنده هم موافقم ولی چیزی که هست در این عبارت (که) تبدیل میشود به (و) ولی خیر (که) باید باشد يك وار هم اضافه شود که اینطور میشود: اجناس مذکوره در ماده اول که برای فروش تجارتمی است و در ظرف فلان. این عبارت ممکن است بعد از (که) نوشته شود.

**رئیس** - آقای وثوق پیشنهاد شمارا میخوانند ولی بنظرم مربوط باین ماده نیست.

در ماده در بنده پیشنهاد میکنم که صابون ها کلیه جزء اشیاء ممنوعه و جزء مفاد ماده ۲ بوده باشد و فقط در کلیه ایران صابون های وطنی استعمال شود.

**رئیس** - بفرمائید.  
**وثوق** - بنده در ماده راجع بمواد دهنتیه عریضی کردم که خود آقای رئیس تجارت هم تصدیق فرمودند و در این جا در صورتی که داده شده گویا فقط صابون عطری راجزو اشیاء ممنوعه نوشته اند و در صورتیکه در داخله مملکت چه در تبریز چه در طهران و قزوین و سایر جا ها انواع و اقسام صابون ها را تهیه میکنند که حقیقه مملکت بی نیاز

است از اینکه صابون وارد کند از خارجه باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم که صابونهای را که از خارجه آورده اند آنها را هم باید صورت بدهند که جزو اشیاء ممنوعه باشد که تا یکسال بفروش برسانند و بعد از آن اگر فروش نرفت بمرأزی که دولت معین میکند تحویل بدهد. که بعدها صابون ایران مصرف شود و صابونی غیر از صابون ایرانی بفروش نرود.

**رئیس کل تجارت** - عرض کنم که اقسام صابون زیاد است صابون عطری چون غیر مجاز است و رودش و مؤسسات و کارخانجات صابون سازی هم برای رفع احتیاج صابون تهیه میکنند برای انواع و اقسام احتیاجات و هیچ احتیاجی بصابون خارجه نداریم حتی اخیراً از اداره کل صناعت تذکر داده شده بود که اجازه ورود ماشین آلات صابون سازی هم دیگر داده نشود برای اینکه این مؤسساتی که هست محصولشان زیاد میشود و آنوقت این صابون ها در داخله مملکت مصرفش زیاد می آید و اسباب زحمت میشود. در اینصورت تصدیق میفرمائید که دولت همیشه مراقبت خواهد کرد که هیچ نوع صابونی وارد نشود اما اینکه فرمودید در این صورت قید شود اینجا نوشتنش کمان نمیکند لزومی داشته باشد برای اینکه صابون عطری است که ممکن است قاچاقش صرف کنند و یکقدری برای آن تلاش بکنند و الا صابونهاییکه برای لباس شوئی و اینها است کمان میکنم قاچاقش اینقدر صرف کند که ما اینجا ذکر کنیم باینجهت در صورت گذاشته شده ولی در هر حال در فروش ممنوع بوده است.

**رئیس** - رای میگیریم بماده دوم با تصحیحی که از طرف آقای دکتر طاهری شد و آقای مخبر هم قبول کردند موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده سوم قرائت میشود.

**مخبر** - در ماده سه اصلاحی شده است تقدیم کنم و تقاضا کنم بطریقی که اصلاح شده است قرائت بفرمائید اصلاح عبارتمی است يك تبصره ایست اضافه شده.

ماده ۳ - هر کس مرتکب یکی از اقدامات ذیل بشود به جزای نقدی از پانصد تا ده هزار ریال و یا به حبس تادیبی از یکماه تا یکسال محکوم خواهد شد بملازم مرتکب بر ای دو سال از حق اخذ جواز ورود محروم خواهد بود (۱) - اخذ تصدیق صدرر برای مال التجاره که از مملکت صادر نشده است.

(۲) - اخذ تصدیق صدور بمبلغی بیشتر از آنچه مال التجاره صادر شده است بوسیله تبانی با مأمورین گمرک یا مقومین (۳) - محفی کردن اجناس ممنوع الصدور یا ممنوع الورد در میان اجناس مجاز جز در مواردی که قوانین مخصوصه مجازات بیشتری معین کرده باشد که در انصورت مرتکب مطابق همان قوانین مجازات میشود اجناس ممنوعه مشمول این قسمت ضبط میشود.

(۴) - خارج کردن مال التجاره ورودی از گمرک بداخله مملکت که قیمت آن بیش از مبلغ مذکور در جواز ورود باشد بوسیله تبانی با مأمورین گمرک یا مقومین در اینمورد. مادل مبلغ اضافی از مال التجاره ضبط میشود (۵) - صادر یا وارد کردن جنسی باسم جنس دیگر. تبصره - در صورتیکه عملیات مذکوره در قسمت (۱) و (۲) مشمول ماده (۱۶) قانون متمم قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۰۹ باشد مرتکب بمجازات مقرر در ماده مزبوره خواهد رسید.

**رئیس** - آقای دیبا  
**طباطبائی دیبا** - در خبر کمیسیون عبارت اینطور است (به جزای نقدی از پانصد تا ده هزار ریال و یا به حبس تادیبی از يك ماه تا فلان محکوم خواهد شد.) این اصلاحی را که آقای مخبر فرمودند هم جزای نقدی است و هم حبس در مجازات است. بنده چنانچه در کمیسیون هم مذاکره شد اصولاً معتقد نیستم دو مجازات برای این قبیل اشخاص باشد یعنی هم جزای نقدی از پانصد تا ده هزار ریال و هم حبس تادیبی و بنده عقیده ام این است که همان خبر کمیسیون بهتر



بود که یا از پانصد ریال تا فلان باشد و یا حبس تادیبی یکی از اینها باشد بهتر است و بعد هم توضیحی می خواستم از آقای رئیس کل تجارت اینجا مینویسد فقط از جواز ورود محروم خواهد شد اگر مجازات است باید یک مجازاتی باشد که دیگر مرتکب نشود جواز صدور امروز اهمیتش بیشتر از جواز ورود است (یک نفر از نمایندگان - مشروع است) البته ولی ممکن است یک کسی صادرات داشته باشد جواز صدور هم داشته باشد میبرد باز میفرودشد و خودش را هم میبرد این قبیل اشخاص را که این جرائم را مرتکب شده اند و که غالباً این جرائمی هم که خواهد شد مربوط به صدور است از اخذ جواز صدور هم باید محروم باشند

**مخبر -** در قسمت اول که فرمودند عبارت همانطور است که ایشان فرمودند و یا حبس تادیبی است اما در قسمتی که فرمودند از تصدیق صدور هم منعش کنیم منظور این میشود که دیگر صادر نشود در صورتیکه تمام منظور از قانون انحصار تجارت صدور است مثلاً فرض بفرمائید بنده یک نفر تاجر مالی را از اینجا خارج میکنم و تو مدتی دو قران تصدیق صدورش را میفروشم آنوقت یک کسی بیاید مال را صادر کند و تصدیق صدورش را نگردد این تفاوت عمل را هیچکس حاضر نیست و چون کسی نمی تواند در مقابل من صادر کند آنوقت هیچکس صادر نمی کند و این عکس مقصود است و بضرر ممالک است بمالوه وقتی که تصدیق صدور صادر کرد ولی جواز ورود داده نشود اگر یک همچو کسی پیدا شود حق با شماست ولی این مورد پیدا میکند

**رئیس -** آقای طهرانی

**طهرانی -** عرض کنم که خیلی بنده متأسفم از اینکه این لایحه را آقای یسائی رفیق محترم بنده آورده اند و بنده از اول تا آخر این لایحه مخالف هستم و هر جایش را می بینم می بینم نمیتوانم موافقت کنم عرض کنم که اولاً خود آقای یسائی این را مسبق هستند نه تمام قوانین ما جزائی شده است آب خوردن هم جزائی شده است راه رفتن جزائی شده است و بالاخره این نمیشود ما بایست

قوانین را طوری در مملکت وضع کنیم که اینقدر مبتنی بر این نباشد که ما در مقابلش یک قوانین جزائی وضع کنیم و متصل مردم را محکوم کنیم و حبس کنیم و اجبار کنیم این بد است بلکه باید یک وسیله اتخاذ کرد که نکنند باید یک طوری کرد که مردم قوانین مطابق با احتیاجاتشان باشد. وضع قوانین مطابق با زندگی مردم باشد که مرتکب یک خلافی نشوند که موجب حبس و مجازات بشود و الا عرض کنم که بنده یک مثل مختصری برایتان میزنم: اگر ما در یک بیابان خیلی فوق العاده وسیعی چندین کوه طلا داشته باشیم عده مأمور هم بقدری نداشته باشیم که اینها را حفظ کنند یعنی اینقدر خارج باشد از حیطة اقتدار ما که نتوانیم حفظش کنیم آنوقت میگویند اگر کسی از اینها بردارد ما حبسش می کنیم اینقدر سرحدات وسیع باشد طول زرد و وسعت زیاد داشته باشد آنوقت بمردم گفته شود اگر کسی از این سنگها برداشت مجازات میشود مردم هم فقیر و گرسنه و بدبخت باشند البته این معنایش این است که برود و بردارد و بالاخره آن کسی هم که گیر افتاد محکوم بحبس میشود پدرش هم در میاید شما هم بالاخره مقصود نمیرسید بگوها نرسیده اند که حفظش کنید. این مسئله اجناس قاچاق سرحدات رجاء گیری از قاچاق اشکالاتش را هم خود دن تصدیق کردید که خیلی مشکل است بعد در این ماده سه چیز را می نویسید که اگر این بایکی از مأمورین دولت معلوم شد تبتانی کرده است و اخذ تصدیق کرده است و جنس خارج نکرده و جنس وارد کرده است، تصدیق صدور را هم گرفته است این را یک مجازاتی برایش قائل شدید آخر آقای این تاجر و کاسب چه جهت دارد شما اگر مأمورتان یک خلافی (یسائی - تاجر هیچوقت این کارها را نمی کند) اجازه بفرمائید آقای یسائی عرض تمام شود شما اگر مأمورتان یک خلافی بکنند جرم مأمور را چرا متوجه یکی دیگر می کنید شما از آن محل جواز در آن جائیکه جواز و تصدیق میدید یک اشخاص صحیحی اگر داشته باشید که نمیشود تصدیق خلاف بدهند و همچنین

در گمرک مقومینی که در گمرک می آیند اگر بر خلاف تقویم کردند یا اگر کسی که در گمرک است آخر این طور که نمیشود همه مردم با این ترتیب گرفتار خواهند شد آخر مردم با هم عداوت دارند دوستی دارند دشمنی دارند آن تاجر است مالی را خارج می کند آن دیگری میگوید زیادتر خارج کرده باز یاد تر وارد کرده و یک چیزی میگوید که اسباب زحمت دیگری میشود بنده یک پیشنهادی می کنم خوب است یک کاری بکنند اداره تجارت که یک اداره صادرات و واردات درست کنند یعنی خودش صادر کنند و وارد کنند و خودش بتاجر بفروشد بکاسد بفروشد و احتیاجات مردم را خودش در نظر بگیرد و وارد کند بعد تقسیم کنند بین مردم و بگوید بفروشد که دیگر اینهمه قوانین جزائی را ما قدم بقدم برای مردم وضع نکنیم این صلاح نیست بالاخره آقا بفرید مملکت را ما یک حبس خانه درست کنیم و همه مردم بروند محبوس و بنده مخالف با این ترتیب.

**مخبر -** قسمتی را که آقا فرمودند که قوانین چرا طوری وضع میشود که مجازات هم ضمیمه میشود بنده تصور می کنم در این قسمت هر قانونی که در دنیا وضع میشود برای متخلف از آن قانون هم یک مجازاتی عده از نمایندگان آقا اینطور صحبت نیست ما که نمی نشویم.

**رئیس -** آقا رویتان بمن باشد و صحبت کنید. یک عده نمی شنوند (صحیح است)

**افسر -** بلی بیائید پشت تریبون که همه متساویاً گوش بدهیم دو بند که صحبت نمیشود کرد.

**مخبر -** (پشت کرسی خطابه) آقا فرمودند که چرا قوانین طوری وضع شده است که از برای متخلف آن قانون مجازات تعیین می شود عرض کنم که در تمام قوانین دنیا یک مجازاتی برای متخلفین آن هست این هیچ عمل شبها و نرودند نیست آقا می فرمائید مجازات زیاد است. بالاخره آقا این مجازات از برای کسی است

که قاچاقچی است و مملکت و مجلس شورای ملی مصلحت میداند که قاچاقچی مجازات بشود و البته هم باید مجازات بشود و نظر بنده برعکس نظر آقا هست برای اینکه نباید اینطور آدم را که قاچاق بمملکت وارد میکند جزو توده و مردم حساب کرد و این مثالی را هم که آقا فرمودند مثل بیابان بزرگ و وسیعی که سنگهای آن از طلاست و چه است و میگویند دست تزیید همچو مثالی با اینجا تطبیق نمیکند قانون اصلاح قانون تجارت هیچ مناسبتی با این مثل ندارد اینجا گفته شده است که اجناسی را که لازم نداریم و مصرفش را نداریم وارد نکنند و هرکس متخلف باشد البته باید مجازات شود پس هیچ مناسبتی با آن بیابان بی مقتهبی نداشت بلکه خیابان است و خیلی خیابان خوب و جاده شوسه و صافی است. عرض کنم اینکه فرمودند اگر تبتانی با مأمور گمرک یا مقومین بکنند و مأمورین گمرک یا مقومین خلافی بکنند چرا متوجه اشخاص باید بشود بنده تصور میکنم که در ماده همچو چیزی نیست نوشته شده است بواسطه تبتانی با مأمور گمرک و مقومین البته اگر کسی برود با یک مأمور دولت تبتانی کند یعنی بسزد او هم مرتکب جرم شده و گذشته از آنکه آن مأمور مطابق قانون و ماده مخصوصی که هست باید مجازات بشود آنشخص هم باید مجازات شود تا مرتکب خلاف نشود. (صحیح است)

**افسر -** مجازات مأمور متخلف خیلی سخت باید باشد و خوب است.

**رئیس -** آقای شریعت زاده

**شریعت زاده -** بنده نسبت بمجازاتی که در این ماده مقرر شده بود نظراتی داشتم ولی مذاکره کردیم که اخیراً آقای طهرانی فرمودند بنظر بنده اهمیت دارد چون مطلب اینطور بنظر آمد که صحیح است و حال آنکه صحیح نیست و از نقطه نظر مصالح عمومی باید بحث شود و تاخیر هم مقتضی نیست (صحیح است) اولاً آقایان نباید توجه بفرمائید که قانون انحصار تجارت موالود وضعیات سخت و مشکلی بود که مملکت برای احیای خودش بان متوسل





شد. بنا بر این فرض این قانون و فرض این مملکتی که در آن مملکت باید این قانون اجرا بشود بقرض يك توده طلا و بیابان و يك چیز های دیگری صلاح نیست در مملکت هر قانونی بنام مصالح عمومی وضع شد لازم الاجراست. اصل قانون این است که همه کس میدانند بنا بر این باید اجرا بشود تا وقتی که مجلس شورای ملی اجران آن قانون را لازم بداند باید تمام معنی اجرا شود و متخلف از آن هم چون تماس با نظر اصلی که عرض کردم دارد و بالاخره مضر با مصالح عمومی مملکت است که مجلس شورای ملی تشخیص داده بنا بر این باید جرم شناخته شود پس در این قبیل مسائل ما نباید بحث کنیم زیرا که این بحث ما معارضه با آن اصل میکند که مثلاً باید در قسمت وضع قانون تجارت کرده باشیم و حال آنکه اینطور نیست اما راجع بوضع مجازاتها (آقای رئیس کل تجارت توجه بفرمایند) چون همانطور که وضع قانون انحصار تجارت مستند بیک افکار عالی و مهمی بود که عبارت از نجات مملکت و تعادل صادرات و واردات بود و باید نسبت باو علاقمند بود و بنظر بنده قاجاق این موضوع مهم کمتر از قاجاق تبریک نیست بلکه مهمتر است برای اینکه قاجاق تبریک جزء است ولی این مربوط بکلیه مایحتاج عمومی است که اگر نسبت بهر کدام قاجاق شود يك ضرری دارد پس باید گفت که تخلف از این قانون یعنی وارد کردن جنس ممنوع الورد و صادر کردن جنس ممنوع الصدور قاجاق است آنوقت دلیل ندارد که ما طرز دیگری برای آن مجازات معین کنیم. البته در این شقوقی که در ماده سوم معین شده است اگر ما دقت کنیم همه در حکم قاجاق است و همان مجازات کلی باید در این مورد اعمال شود مثلاً ملاحظه بفرمائید جنسی را که عوضی وارد کرده است یا جنسی که ممنوع الورد یا ممنوع الصدور است اینرا میبرند و تائیس میدهند که این جنس مجاز است البته این قاجاق است دیگر تفاوتی با قاجاق ندارد با تئانی کردن یا مقومین کمرک و مأمورین برای زیاد کردن قیمت جنس این لازمه اش

این است که آن قیمتی که زیادتز از قیمت اصلی است و از قیمت واقعی زیادتز است بجنس بدهند اینهم البته قاجاق است از آن طرف هم در قانون قاجاق يك مقررانی هست که مشمول مقررات و قوانین عمومی مجازات هست و در مواردی که ضرورت دارد بمتخلف مجازات داده میشود و قانون مجازات پیش بینی کرده است یعنی چه؟ یعنی اگر دید دلالتی وجود دارد که باید مجازات مقصر تخفیف داده شود تخفیف بدهد یا تشدید کند مجازات را سنگین تر کند پس بنظر من خوبست که آقای رئیس کل تجارت موافقت بفرمایند که این در این ماده نوشته شود یعنی تصریح شود که همه اینها در حکم قاجاق است و مرتکب این اعمال محکوم است بآنچه که مرتکب قاجاق بآن محکوم خواهد بود و بهمان مقررانی که در قانون قاجاق مقرر است محکوم خواهد شد

**رئیس کل تجارت - عرض میشود که مقایسه که**

آقا فرمودند با قاجاق اجناس ممنوعه یعنی اعمالی که شبیه به قاجاق است يك قدری بنظر بنده مورد ندارد زیرا که در قوانین مربوطه به قاجاق آنچه که نظر مبارکشان هست يك قیدی هست که قانون بعد شامل این موارد نمیشود زیرا در آن قوانین بعد از آنکه ما ملاحظه کردیم دیدیم که آیا میتوانیم از آن قوانین عمومی و کلی که فرمودید استفاده کنیم و دیگر محتاج بتقدیم این لایحه نباشیم و خود آن قوانین کافی است ولی دیدیم که خیر آنها کافی نیست و تطبیق نمی کنند زیرا که در آنجا قید شده است که اقداماتی که برخلاف عوائد عمومی یا خزانه دولت میشود قاجاق محسوب میشود و جنس قاجاق است ملاحظه بفرمائید تصدیق صدور دروغی گرفتن اینکه بر علیه خزانه مملکت نیست جعل تصدیق صدور کردن و سوء استفاده کردن فرضاً از يك سند رسمی از نقطه نظر تصادمش با حقوق شخصی ممکن است ضرر آور باشد یا بر علیه دولت و خزانه عمومی از نقطه نظر منافع عمومی چون مصرح است در آن نظامات و قوانین مربوطه بقاجاق که موضوع عمل باید موضوعی باشد که مضر بعوائد

و خزانه مملکتی باشد لذا نمیشود قضیه را شبیه کرد باینگونه موارد زیرا که اینرا باید گفت عمل قاجاقچی در این مورد با کسی که تصدیق صدور دروغی میگیرد گر چه ممکن است اقدام او مضر بتعادل صادرات و واردات باشد ولی باز تطبیق نمیکند با آن قسمت که میگوید ضرر زدن بخزانه و عوائد عمومی باشد در هر صورت بنظر بنده اگر آقا موافقت بفرمایند که همینطور بگذرد بهتر است اما اینکه فرمودند اینگونه اعمال مجازاتش مجازات قاجاق باشد بنظر بنده يك قدری سخت است برای اینکه بنده خیلی موافق با مجازات های سخت نیستم و همیشه معروف است که مجازاتهای سنگین و سخت میگوید که من قابل اجرا نیستم زیرا وحشت از برای مرتکب بیشتر تولید می شود و در نتیجه آن بیشتر تشبیهات میکند برای تخفیف مجازاتش اما مجازاتهای ملایم بیشتر قابل اجراست و اثرش هم بیشتر است و البته این يك منطقی است که ممکن است قابل مباحثه و ملاحظه باشد پس اگر آقا موافقت بفرمایند که همینطور بگذرد و مجازات هم ملایم تر باشد اول کار هم هست بنظر بنده بهتر است. يك قسمتی را هم در جواب آقای طهرانی خواستم عرض کنم و آن این است که فرمودند مردم بزحمت می افندند تاجر بزحمت می افند قوانین جزائی است بنده عرض میکنم آقا تاجر حسابی هیچوقت قاجاق نمی کنند و قاجاقچی نیست بنده قول میدهم شما که تجار ما مردمان شرافتمند هستید (صحیح است) و خیلی کم اتفاق می افتد که يك کسی يك غلط کارهای بکند ما که در عمل مواجه هستیم دیده ایم میدانیم همه مردمانی هستند که قولشان درست است کردار و رفتارشان همه موافق نظامات است (صحیح است) و فوق العاده حالا مأیوس شده اند با قانون انحصار تجارت و کاملاً مطیع هستند. اینگونه اشخاص را ما اصلاً مورد مشمول این مواد و لوایح و قوانین نمیدانیم. صحبت سر این قاجاقچی هائی است که در سرحد هستند و قاجاق می کرده اند که اگر گیر افتادند ما اینکار را می کنیم.

(صحیح است) و بنظر بنده حضرت عالی موافقت بفرمائید که آن کسی که قاجاق چی است مجازات بشود. عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**طهرانی - بنده عرضی دارم. توضیح باید بدهم رئیس - بفرمائید.**

**طهرانی - عرض کنم که این جا گویا در عریض بنده می خواستم عرض کنم مثالی که من زدم بتوده طلا مقصودم این نبود که حرف نازه زده باشم مقصودم این بود که اجناس ممنوع الورد و يك اجناسی که مضر بحال مملکت است البته وارد نشود و مرتکب قاجاق هم مجازات شود و همانطور که آقای یاسائی فرمودند و قوای عالییه مملکت توانسته است آهائی که قاجاق می کردند بجای خود بنشانند ولی در همان سرحدات جاهائی هست که خیلی وسعت دارد شاید سرحداتش ۸۰۰ فرسخ (افسر - ۱۱۵۰ فرسخ) و بیشتر است سرحدات خلیجی را ملاحظه بفرمائید چقدر وسیع است در آن جاها اشخاصی که مرتکب قاجاق میشوند و مرتکب اعمالی میشوند و حبس میشوند بالاخره آنها هم تبعه ایرانند و باید آدم بشوند و تربیت بشوند بنده مقصودم این بود که مایک همچو قوانین سختی اگر وضع کنیم نمیتوانیم جلویش را بگیریم یعنی قوانین خوبست در يك حدودی وضع شود که بتواند جلوگیری کند از قاجاق یعنی قاجاقچی ها نتوانند و قابل نباشند که دیگر قاجاق کنند. (نمایندگان - کافی است)**

**رئیس - آقایانی که با ماده سوم موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. از طرف آقایان به بنده پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است) پس مذاکره را در این قسمت ختمی کنیم. [ ۸ - اعلام وصول تقریر بودجه ۱۳۰۹ مجلس ] [ ۹ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]**

**رئیس - لازم است باستحضار آقایان برسانم که اداره مباشرت لایحه تقریر بودجه ۱۳۰۹ مجلس را پیشنهاد**

# قانون

اجازه مبادله عهد نامه مودت و تجارت و بحر پیمائی منعقدہ بین دولتین ایران و نروژ

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهد نامه مودت و تجارت و بحر پیمائی مشتمل بر بیست و پنج ماده را که در تاریخ هشتم ماه مه ۱۹۳۰ مطابق با ۱۸ اردی بهشت ۱۳۰۹ شمسی بین نمایندگان ایران و نروژ امضاء شده است تصویب و اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد .

این قانون که مشتمل بر يك ماده و منضم بعهد نامه مودت و تجارت و بحر پیمائی منعقدہ بین دولتین ایران و نروژ است در جلسه هفدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

عهد نامه مودت و تجارت و بحر پیمائی بین دولتین ایران و نروژ

اعلیحضرت شاهنشاه ایران و

اعلیحضرت پادشاه نروژ

نظر باینکه مایل هستند روابط مودت و صمیمیت را که خوشبختانه بین مملکتین موجود است تحکیم و روابط تجاری خود را بسط دهند و معتقد هستند که این مقصود بخوبی حاصل نمیشود مگر بوسیله يك عهدنامه مودت و تجارت و بحر پیمائی که بر طبق اصول حقوق عمومی بین المللی و بر اساس معامله متقابل و تساوی کامل منعقد شده باشد. لهذا برای انجام این مقصود اختیار داران خود را بترتیب ذیل تعیین نمودند :  
اعلیحضرت شاهنشاه ایران :

جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسین خان علاء وزیر مختار ایران در پاریس

اعلیحضرت پادشاه نروژ

جناب آقای فر در يك هار توپک هرمان و دل بارلسبرگ وزیر مختار نروژ در پاریس مشار الیهما بعد از مبادله اختیار نامه های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مواد ذیل موافقت نمودند

## ( ماده اول )

بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی نروژ صلح دائم و دوستی ثابت برقرار خواهد بود

## ( ماده دوم )

طرفین متعاهدین موافقت دارند که روابط سیاسی و قونسولی خود را بر روی اساس حقوق عمومی بین المللی استوار نمایند و نیز موافقت دارند که نمایندگان سیاسی و قونسولی هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر بشرط معامله متقابل از معامله که بموجب حقوق عمومی بین المللی مقرر و بهیچ وجه مآدون رفتار معموله نسبت به نمایندگان سیاسی و قونسولی دولت کامله الوداد نخواهد بود بهره مند شوند .

## ماده سوم

دولتین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات کلیه عهد و قرار داد هائیکه منعقد شده یا در آتیہ منعقد گردد و منجمله راجع بهمین عهد نامه بظهور برسد و بطریق دوستانه از مجرای عادی سیاسی در مدت متناسبی تسویه نشود به حکمیت رجوع نمایند این ترتیب در صورت لزوم برای تشخیص

می اقیم خوبست جلسه ساعت ۸ باشد (صحیح است) ولی بنده این را مصالحه می کنم بهمان ساعت ۹ ولیکن در پیش آقایان رفقا معهود باشد که همان ساعت ۹ بیایند و اول وقت حاضر باشند .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

کرده است و بکمیون محاسبات فرستاده میشود (صحیح است) . جلسه آتیہ سه شنبه ۲۴ خرداد ماه سه ساعت قبل از ظهر . دستور بقیة لوائح موجوده . در باب موقع جلسه هم اظهار نظر شده است به بنده تذکر میدهند که چون اواخر جلسه ما در گرما اتفاق

اینکه آیا اختلاف مربوط به تفسیر یا راجع با اجرای عهود و قرارداد های مذکوره میباشد نیز اعمال خواهد گردید - حکم محکمه حکمیت برای طرفین الزام آوراست

برای هر قضیه متنازع فیها محکمه حکمیت بنا به تقاضای یکی از دولتین متعاهدین و به ترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت. هر يك از دولتین متعاهدین در ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه حکم خود را که ممکن است از اتباع مملکت ثالثی هم انتخاب گردد تعیین خواهد نمود

چنانچه دولتین در ظرف مدت سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه راجع بمدتی که در ظرف آن حکمین می بایستی حکم خود را صادر کنند موافقت حاصل نمایند یا نتوانند به تسویه اختلاف در ظرف مدتی که برای آنها معین گردیده نایل شوند دولتین یک نفر از اتباع دولت ثالثی را بعنوان حکم ثالث انتخاب خواهد نمود چنانچه دولتین در ظرف مدت دو ماه از تاریخ تقاضای تعیین حکم ثالث راجع با انتخاب او موافقت حاصل ننمایند دولتین مذکورین مشترکاً یا در صورتیکه در ظرف مدت دو ماه بعد از آن هم تقاضای مشترکی از طرف آنها بعمل نیاید هر يك از آنها که زودتر اقدام کند از رئیس دیوان دائمی داورى بین المللی لاهه تقاضا خواهد نمود حکم ثالث را از بین اتباع دولت ثالثی انتخاب نماید. موافقت طرفین ممکنست صورتی از ممالک ثالثی که رئیس دیوان دائمی داورى بین المللی باید حکم ثالث را منحصرأ از آنها انتخاب نماید بمشار الیه تسلیم گردد.

طرفین میتوانند راجع بشخص حکم ثالث قبلاً برای مدت معینی فراری بین خود بدهند طرز عملی که حکمین باید اتخاذ نمایند اگر بوسیله قرار مخصوص بین دولتین معین نشده و در مدتی که از موقع تعیین حکم تجاوز نکند منعقد نشده باشد بر طبق ماده ۵۹ الی ۸۵ قرار داد لاهه مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به تسویه اختلافات بین المللی فیصله خواهد یافت در صورتیکه مقررات مخالفی از طرف دولتین وجود نداشته باشد

هر گاه تعیین یک نفر حکم ثالث لازم گردد و بین دولتین متعاهدین راجع به طرز عملی که بعد از تعیین حکم مزبور باید تعقیب شود قراری داده نشده باشد حکم ثالث با در حکم اولی تشکیل محکمه حکمیت داده و طرز عمل خودشان را معین نموده اختلاف را تسویه خواهند کرد. کلیه تصمیمات محکمه با کثرت آراء اتخاذ خواهد گردید.

#### ماده چهارم

(۱) اتباع هر يك از طرفین متعاهدین میتوانند بشرط معامله متقابله آزادانه بخاک مملکت متعاهد دیگر وارد و از آنجا خارج و در آن مسافرت و توقف نمایند با این شرط و توافقی که موافق قوانین و نظامات جاریه در خاک مزبور عمل نمایند راجع به تمام مسائلی که مربوط باقامت باشد بشرط رعایت قوانین و نظامات جاریه مملکت متوقف فیها از رفتاری که نسبت با اتباع دولت کامله اوداد میشود بهره مند خواهند شد.

(۲) با اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر راجع به عملیات تجارتي و بحری بیمائی و صنعتی و اشتغال به حرف یا مشاغل همچنین راجع به تملک و تصرف و هر قسم تصرفات مالکانه نسبت با اموال و حقوق مالکیت از هر جهت رفتاری دولت کامله اوداد معمول خواهد گردید

(۳) تجار و صاحبان کارخانجات و سایر ارباب صنایع تبعه یکی از طرفین متعاهدین همچنین مسافرین تجارتي در خاک طرف متعاهد دیگر راجع به عملیات خود و مخصوصاً راجع به مالیات و تسهیلات گمرکی که نسبت به مسطوره جات بعمل می آید از همان رفتاری که در مورد تجار و صاحبان کارخانجات و مسافرین تجارتي دولت کامله اوداد معمول میشود بهره مند خواهند شد

چنانچه ارائه تعرفه هویتی از مسافرین تجارتي در خاک یکی از طرفین متعاهدین لازم گردد مقررات قرارداد بین المللی تسهیل مراسم گمرکی منعقد در ژنو مورخه سیم نوامبر ۱۹۲۳ باید در این قسمت اعمال گردد معذک ویزای مقامات قنسولی و یا مقامات دیگر مطالبه نخواهد شد.

(۴) - مشارالیه در تحت هیچ عنوانی موظف بتادیه عوارض یا مالیاتهای داخلی زیاد تر یا غیر از آنچه از اتباع دولت کامله اوداد اخذ میشود و یا میتواند اخذ نمود نخواهند بود.

(۵) - اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در خاک طرف متعاهد دیگر راجع به حمایت و امنیت کامل و دائم خود و اموالشان از حقوق و مزایائی که نسبت با اتباع داخله مبذول میگردد و یا خواهد کرد بشرط متابعت از قوانین و نظامات جاریه مملکتی بهره مند خواهند گردید.

(۶) - معذک مشارالیه در خاک طرف متعاهد دیگر از خدمت نظام اجباری چه در قوای بری و بحری و هوائی و چه در کارد ملی و چربک معاف خواهند بود و نیز ملزم به پرداخت قرضه اجباری و مالیاتهای که بجای خدمت نظامی اشخاص وضع شده نخواهند بود و هم چنین از کلیه مصادرات و مالیاتهای نظامی معاف میباشند مگر اینکه تخمیلات مزبور بهمان شرائطی که نسبت به اتباع دولت کامله اوداد معمول میگردد نسبت بمشار الیه عمل آید.

(۷) - اتباع هر يك از طرفین متعاهدین در تمام خاک طرف متعاهد دیگر از آزادی عقیده مذهبی کاملاً بهره مند و میتوانند با اجرای مراسم عمومی و خصوصی مذهبی خود با رعایت قوانین و احکام و نظامات مملکتی بپردازند.

#### ( ماده پنجم )

دولتین متعاهدین موافقت دارند که در معاملات متقابله تجارتي خود راجع به تصدیق نامه مبداء مقررات بین المللی تسهیل مراسم گمرکی مورخه سه نوامبر ۱۹۲۳ اعمال شود

تصدیق صحت تصدیق نامه های مبداء صادره از ادارات گمرکی یا يك اطاق تجارت که اختیار قانونی صدور آنها داشته باشد مطالبه نمیشود چنانچه تصدیق نامه های مزبوره از مقامات و یا مؤسسات دیگری صادر شده باشد دولتی که مال التجاره به خاک آن حمل شده میتواند تقاضا نماید که تصدیق نامه های مبداء از طرف نمایندگان سیاسی یا قنسولی صلاحیت دار خود مقیم محل صدور مال التجاره تصدیق شود تصدیق مزبور بشرط معامله متقابله مجاناً داده میشود

#### ( ماده ششم )

مساکن و انبارها و کارخانجات و دکاکین و کلیه ابنیه متعلق با اتباع هر يك از طرفین متعاهدین را در خاک طرف متعاهد دیگر و همچنین کلیه اماکن و ملحقات آنها را که برای مقاصد مشروع باشد نمیتوان مورد تفتیش یا عصاره قرار داد و بهیچوجه نمیتوان در این اماکن مبادرت برسیدگی و تفتیش دفاتر و اوراق و یا محاسبات نمود مگر در تحت شرایط و مطابق با مراسمی که بموجب قوانین و احکام و نظامات برای اتباع داخله مقرر است.

#### ( ماده هفتم )

(۱) برای تجارت و بحری بیمائی بین طرفین متعاهدین آزادی کامل و مطلق موجود خواهد بود  
(۲) اتباع هر يك از طرفین متعاهدین میتوانند آزادانه و باکمال امنیت با کشتیها و محمولات آنها در تمام نقاط و بنادر و خطوط قابل کشتی رانی خاک طرف متعاهد دیگر که برای بحری بیمائی و تجارت خارجی باز بوده و یا خواهد

بود با این شرط و تا وقتی که متابعت از قوانین و نظامات جاریه مملکتی بنمایند مسافرت نمایند با مشار الیهم رفتاری دون رفتار بکه با اتباع دولت کامله الوداد میشود نخواهد شد.

**( ماده هشتم )**

طرفین متعاهدین متقبل هستند که عابقی در مبادله مال التجاره بین مملکتین بوسیله منع و یا تحدید واردات و صادرات تولید نمایند معذک طرفین متعاهدین این حق را برای خود محفوظ میدارند که بعلل مذکوره ذیل و تاحدی که ممنوعیت و تحدیدات ذیل در عین حال شامل کلیه ممالک دیگری باشد که دارای وضعیت مشابهی هستند مستثنیاتی نسبت باصل مذکور فرقی قائل شوند:

- ۱) ممنوعیت ها یا تحدیدات مربوط با امنیت عمومی.
  - ۲) ممنوعیتها و یا تحدیداتی که بنا بجهت اخلاقی و یا نوع پروری وضع شده باشد.
  - ۳) ممنوعیت ها یا تحدیدات مربوط بتجارت اسلحه و ذخائر و مهمات جنگی یا در بعضی موارد استثنائی آنچه که بکار جنگ بخورد.
  - ۴) ممنوعیت ها یا تحدیدات صادرات که منظور از آن حفظ ذخائر ملی و صنایع مستظرفه با تاریخی یا آثار عتیقه باشد.
  - ۵) ممنوعیت ها یا تحدیداتی که بملاحظه حفظ صحت عمومی یا حفظ حیوانات یا نباتات در مقابل امراض و هوام و حشرات طفیلی موزیه وضع میشود.
  - ۶) ممنوعیت ها یا تحدیدات شامل طلا و نقره و اسکندس و اوراق بهادار.
  - ۷) ممنوعیت ها یا تحدیداتی که بموجب آن محصولات خارجه نیز مشمول رژیم بشوند که در داخله مملکت راجع بتولید و تجارت و حمل و نقل و مصرف محصولات مشابه ملی برقرار است.
  - ۸) ممنوعیت ها یا تحدیدات معموله نسبت بامتعّه که تولید یا تجارت آنها در داخله مملکت موضوع انحصارات دولتی یا انحصارات واقع در تحت نظارت دولت بوده یا خواهد بود.
- هیچیک از مواد این عهدنامه بحق هیچیک از طرفین متعاهدین خالی وارد نمیسازد که اقداماتی راجع بممنوعیتها یا تحدید واردات و صادرات برای حفظ منافع حیاتی مملکت در مواقع فوق العاده و غیر عادی بنمایند.
- هرگاه این قبیل اقدامات اتخاذ شود باید بقسمی اجرا گردد که بالنتیجه هیچگونه تبعیض بلاجموی بضرر طرف متعاهد دیگر نباشد دوام اقدامات مزبوره تا وقتی است که علل یا کیفیاتی که سبب ایجاد آنها بوده باقی باشد.

**( ماده نهم )**

۱) اتباع هریک از طرفین متعاهدین برای استیفای حق خود بعنوان مدعی یا مدعی علیه آزادانه بمحاکم طرف متعاهد دیگر دسترسی خواهند داشت. مشار الیهم از همان آزادی که برای اتباع داخله موجود است برای انتخاب و استفاده از اشخاص قانون دان و وکلای مدافع و نمایندگان از بین اشخاصی که قوانین محلی برای اشتغال باین مشاغل می پذیرد برای استیفای حق خود بعنوان مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محاکم مزبوره بهره مند خواهند بود اتباع طرفین متعاهدین برای دسترسی بمحاکم طرف متعاهد دیگر ملزم به هیچ قسم شرط یا تقاضائی که شامل اتباع داخله نمیشود نخواهند بود.

۲) بدیهی است که مسائل راجعه بوجه الضمانه مخصوص خارجیها و ارفاق قضائی مجانی و تبلیغ اوراق قضائی

و غیر قضائی و اجرای موضوع تقاضای مقامات قضائی مملکت از مقامات قضائی مملکت دیگر Commission rogatoire و همچنین مسائل راجع باسترداد مقصرین بموجب قرارداد مخصوص بین طرفین متعاهدین تنظیم خواهد گردید در مسائل مربوطه باحوال شخصیه اتباع نروژ در ایران و اتباع ایران در نروژ تابع قوانین مملکت متبوعه خود هستند

**( ماده دهم )**

۱) شرکتی تجارتي و صنعتی و مالی و حمل و نقل و کمپانی های بیمه و کلیه شرکتهای دیگری که جنبه تجارتي و انتفاعی داشته و حسب القاعده مطابق قوانین یکی از طرفین متعاهدین تأسیس شده و مرکز اصلی آنها در خاک همان مملکت بوده و تابعیت آن قانوناً در آنجا شناخته شده باشد در خاک طرف متعاهد دیگر نمیتوانند حق خود را اجرا نموده و در محاکم تدافع نمایند بشرط اینکه از قوانین و نظامات مملکتی متابعت نمایند.

۲) شرکتهای مزبور مثل همان نوع شرکتهای دولت کامله الوداد حق دارند در خاک طرف متعاهد دیگر مستقر شده و شعباتی تأسیس و به عملیات خود بشرایطی که در قوانین مملکتی معین است اشتغال ورزند.

۳) شرکتهای مزبوره پس از آنکه در خاک طرف دیگر پذیرفته شدند راجع بعملیات و حق تملك و تصرف و اجاره اموال منقوله و غیر منقوله از رفتاری که نسبت بهمین نوع شرکتهای دولت کامله الوداد میشود و یا ممکن است در آتیه بشود بهره مند خواهند شد.

۴) از شرکتهای مزبوره نه در مورد عملیات و نه در مورد اموالشان نمیتوان مالیاتها و عوارض و حقوقی بهر اسم و رسم باشد علاوه و یا غیر از آنچه از همان قسم شرکتهای درات کامله الوداد اخذ میشود دریافت داشت.

۵) شرکتهای یکی از طرفین متعاهدین که در خاک طرف دیگر مستقر گردیده اند نمی توانند مزایای مخصوصی را که در خاک آندولت که بشرکتهائی که ترتیب عملیاتشان بموجب امتیازنامه های مخصوص معین شده اعطا گردیده است در حق خود دعوی نمایند از طرف دیگر شرکتهای هریک از طرفین متعاهدین که ترتیب عملیاتشان در خاک طرف متعاهد دیگر بموجب امتیازنامه های مخصوص تعیین شده حق نخواهند داشت مزایائی را که بموجب عهد و قرار دادهای جاریه اعطا شده یا از ترتیب معامله دولت کامله الوداد ناشی میشود راجع بمواد امتیاز نامه در حق خود دعوی نمایند.

**( ماده یازدهم )**

۱) طرفین متعاهدین متقابلاً متعهد میشوند که معامله دولت کامله الوداد نسبت بیکدیگر در مورد ترانزیت بعمل آورند.

۲) معذک هیچیک از طرفین متعاهدین بر طبق مفاد این ماده مقید نخواهند بود ترانزیت امتعه ای را که ورود آنها از لحاظ این امنیت عمومی یا دفاع ملی و صحتی و با بعنوان جلوگیری از امراض مسریه حیوانات و نباتات ممنوع است اجازه بدهد.

۳) از مال التجاره هائی که بطور ترانزیت حمل میشود هیچگونه حق مخصوص بابت ترانزیت ( اعم از ورود یا خروج ) دریافت نخواهد شد از مال التجاره های مزبور فقط حقوقی بقدر مخارج نظارت و مصارف اداری ترانزیت مزبور و عوارض بابت معاملاتی که نسبت به این مال التجاره ها در مدت توقف در انبار یا در حین حمل و نقل شده باشد ماخوذ خواهد گردید.

۴) در این ماده کلمات ( ترانزیت ) و ( مال التجاره ) که بطور ترانزیت حمل میشود) بر طبق ماده اول ( اساسنامه آزادی ترانزیت ) که در کنفرانس بارسلون در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۲۱ قبول شده تفسیر خواهد گردید

**( ماده دوازدهم )**

۱) هریک از طرفین متعاهدین نسبت بمسائل مربوطه بحمل و نقل اشخاص یا اشیاء و مال التجاره در

خاك خود يا بطور ترازيت از خاك خود معامله دولت كامله الوداد را نسبت بطرف متعاهد ديگر معمول ميبارد معذلك معامله دولت كامله الوداد شامل مزايای خاصی نخواهد بود كه يكي از طرفين متعاهدين بشركت های خارجي كه خواه برای اداره كردن يك المحصار و خواه بموجب يك امتياز يا از لحاظ مصالح عمومي درخاك آب تشكيل شده است راجع بحمل و نقل مستخدمين و لوازم كار و محصولات آن شركتها اعطاء نموده يا خواهند نمود.

(۲) هر نوع مال التجاره كه مبدأ آن خاك يكي از طرفين متعاهدين بوده و بخاك طرف ديگر وارد شود و در آنجا ملزم به تأديه حقوق و رسومات شهري و عوارض مصرف علاوه بر آنچه از امتعه متشابه دولت كامله الوداد اخذ ميشود و يا ممكن است در آتیه اخذ شود نخواهد بود.

**(ماده سيزدهم)**

(۱) محصولات طبيعي يا صنعتي ايران وارده به نروژ و محصولات طبيعي يا صنعتي نروژ وارده بايران بابت هر قبيل حقوق و ماليات ها و عوارض ورودی از رفتاری مساعد تر از رفتاری كه نسبت بمحصولات متشابه دولت كامله الوداد ميشود و يا ممكن است در آتیه بشود بهره مند نخواهند كرديد.

(۲) محصولات طبيعي يا صنعتي ايران صادره از ايران بقصد نروژ و محصولات طبيعي يا صنعتي نروژ صادره از نروژ بقصد ايران بابت هر قبيل حقوق و ماليات و عوارض صدور از رفتاری مساعد تر از رفتاری كه نسبت بامتعه متشابه صادره بقصد مملكت دولت كامله الوداد ميشود يا ممكن است در آتیه بشود بهره مند نخواهند كرديد.

(۳) معامله دولت كامله الوداد مذكوره در فوق طوري تفسير ميشود كه شامل رژيم گمركي و كليۀ مراسم گمركي و درويك (حقوقی است كه از مواد خام وارده بمملكت بطور امانت گرفته ميشود كه چنانچه همان مواد بصورت ساخته شده از مملكت خارج شود حقوق مزبور مسترد ميبردد) و استفاده از انبار های گمركي و تصديق نامه مبدأ نيز باشد.

**(ماده چهاردهم)**

(۱) كليه امتعه كه با كشتی های مملكت نالتی مشروعاً به بنادر ايران وارده شده و يا ممكن است وارد شود با كشتی های نروژ نيز ممكن است به بنادر مزبوره وارد گردد بدون اينكه در تحت هيچ عنوانی بپرداخت حقوق يا عوارض زياد تر و يا غير از آنچه در همان امتعه در صورتيكه با كشتی های مملكت نالتی وارد شود اخذ ميبردد ملزم باشند. متقابله كليه امتعه كه با كشتی های مملكت نالتی مشروعاً به بنادر نروژ وارد و يا ممكن است وارد شود با كشتی های ايران نيز ممكن است به بنادر مزبور وارد گردد بدون اينكه بهيچ عنوانی به پرداخت حقوق يا عوارض زياد تر و يا غير از آنچه از همان امتعه در صورتيكه با كشتی های مملكت نالتی وارد شود اخذ ميبردد ملزم باشند اين معامله متقابله با الاتفاوت چسب امتعه مزبوره مستقيماً از مبدأ خود وجه از نقطه ديگر صادر شده باشند رعایت خواهد كرديد.

(۲) همچنين در قسمت صادرات از خاك هريك از طرفين متعاهدين نيز رعایت تساوی كامل بين كشتی های طرف متعاهد ديگر و كشتی های دولت نالت خواهد شد. عبارت اخري در خاك هريك از طرفين متعاهدين از امتعای كه مشروعاً از آنجا صادر شده و يا خواهد شد اعم از اينكه صادرات مزبوره با كشتی های طرف متعاهد يا با كشتی های مملكت نالتی بعمل آيد همان حقوق داخلی و همان حقوق صدور اخذ و نسبت به آنها همان جواز و درويكها اعطا خواهد كرديد.

**(ماده پانزدهم)**

(۱) كشتی های تجارتي هريك از طرفين متعاهدين كه خالی يا ببار داخل بنادر طرف متعاهد ديگر شده و يا از بنادر مزبور خارج ميشوند در قسمت بحر ييمانی و همچنين راجع به محمولات خود از حقوق و مزایا و آزادی و مساعدت ها و مصونيت و معافيتی كه كشتی های دولت كامله الوداد و محمولات آنها بهره مند بوده و يا خواهند بود از هر كجا كه حرکت کرده باشند و مقصد آنها هر جا باشد بهره مند خواهند كرديد.

(۲) در بنادر هر يك از مملكتين متعاهدين كشتی های مملكت متعاهد ديگر به ادای هيچگونه حقی بابت ظرفيت كشتی و بندر و راهنمائی و فانوسی دريائی و قرظينه و يا حقوق متشابه و مرادفي از هر نوع و بهر اسم و رسمي كه باشد با سم و يا بفتح دولت و مستخدمين عمومي و اشخاص متفرقه و شركتها و هر قبيل مؤسسات ديگر خارج از آن ترتيب و شرايطی كه كشتی های مملكت نالتی در موارد متشابه موظف به پرداخت آن هستند ملزم نخواهند بود.

(۳) راجع به ورود و خروج و توقف و بارگيري و بار اندازی كشتی ها در بنادر و توقف گاه ها و تعمير خانه ها (Dock) و لانگر گاه ها و يا در خطوط قبل كشتی رانی متعلق به هر يك از مملكتين متعاهدين كشتی های مملكت نالت از هيچگونه مزايائی كه به كشتی های مملكت متعاهد ديگر نيز داده شده باشد بهره مند نخواهد شد زيرا طرفين متعاهدين مایل اند كه در اين موارد با كشتی های هريك از آنها رفتاری كه نسبت به كشتی های دولت كامله الوداد ميشود معمول گردد.

**(ماده شانزدهم)**

تابعیت كشتی های مملكتين بر طبق اسناد و تصديق نامه های كه در اين باب از ادارات صالحه طرفين متعاهدين بر طبق قوانين و نظامات خودشان صادر ميشود تعيين ميبردد.

تصديق نامه تعيين حجم كشتی و ساير اسناد مربوطه بتعيين حجم كه از طرف يكي از دولتين متعاهدين صادر شده باشد از طرف دولت متعاهد ديگر بر طبق مقررات مخصوصی كه ممكن است بين دولتين وضع شود شناخته ميشود.

**(ماده هفدهم)**

(۱) كشتی رانی مين بنادر مختلفه (كاپوتاز) و صيد در آبهای ساحلی هريك از طرفين متعاهدين از مقررات اين عهدنامه مستثني بوده و مشمول قوانين و احكام و نظامات محلی خواهد بود.

(۲) بديهي است راجع به كاپوتاز اتباع و كشتی های نروژ در خاك و متصرفات ايران و اتباع و كشتی های ايران در خاك و متصرفات نروژ در اين مورد از حقوقی كه درباره كشتی های نالت ديگر بموجب قوانين و احكام و نظامات مزبوره ملحوظ بوده و يا بعداً خواهد بود بهره مند نخواهند كرديد: موارد ذيل كاپوتاز محسوب نمي شود:

الف - حرکت كشتی ها بين يك بندر و بندر ديگر خواه برای ياده كردن مسافرين يا خالی كردن تمام يا قسمتی از بارهای وارده از خارجه و خواه برای سوار كردن مسافرين يا بارگيري تمام يا قسمتی از بارهایی كه به خارجه حمل ميشود.

ب - حمل مسافرينی كه دارای بليط های مستقيمی باشند كه در خارجه يابه قصد خارجه داده شده باشد از يك بندر به بندر ديگر و حمل مال التجاره های كه با بارنامه های مستقيمی كه در خارجه يا به قصد خارجه داده شده باشد

**(ماده هجدهم)**

(۱) كشتی های تجارتي يكي از طرفين متعاهدين كه در سبجه انقلاب هوا و يا بعلت مخاطرات ديگری اجباراً به بندر طرف ديگر پناه مي برند آزادانه مي توانند در آنجا به تعميرات خود و تهیه آذوقه لازم مبادرت نموده و مراجعت نمايند بدون اينكه حقوقی غير از آنچه كشتی های دولت كامله الوداد بايد پردازند تأديه نمايند معذلك چنانچه

ناخدای يك كشتی تجارتي مجبور بفروش يك قسمت از محمولات كشتی برای مخارجی كه متحمل شده بشود مقید به متابعت از نظامات و تعرفه های جاریه محلی كه به آنجا وارد شده می باشد.

(۲) چنانچه كشتی های تجارتي یکی از طرفین متعاهدین در سواحل طرف متعاهد دیگر به گل نشسته یا غرق شود مقامات محلی فوراً باید مأمور قنصلگری طرف دیگر را كه در حوزه مأموریت او قضیه اتفاق افتاده و یا نزدیكترین مأمور قنصولی طرف دیگر را مستحضر سازند

(۳) كشتی بگل نشسته یا غرق شده و بقایا و متعلقات و تمام ملزومات و اشیاء و مال التجارهائی كه نجات داده می شود همچنین كلید اشیائی كه به دریا انداخته میشود باقیمت اشیاء مذكوره در صورت فروش ویز كلید اوراقی كه در كشتی های غرق شده و یا بگل نشسته پیدا می شود بصاحبان آنها متعلق بوده و ممكن است از طریق قانونی و در مدت متناسب بمرسوم نمایندگان آنها - در صورتیکه وجود نداشته باشند - بتوسط قنصلها از اشخاصیکه اشیاء مذکور را برداشته اند خواسته شود صاحبان كشتی های مزبوره و یا نمایندگان آنها فقط مصارف حفظ اشیاء مزبوره و همچنین مخارج نجات دادن و غیره را كه در موارد مشابه كشتی های خود مملكتی كه در سواحل آن كشتی غرق شده یا بگل نشسته میردازند خواهند پرداخت.

(۴) اموال و اتمه كه از غرق شدن نجات می یابد از هرگونه حقوق گمرکی معاف خواهند بود مگر اینکه اشیاء مزبور برای مصرف داخلی بكار برده شود در آن صورت تابع حقوق گمرکی عادی خواهند بود

(۵) چنانچه كشتی های متعلقه به اتباع یکی از طرفین متعاهدین در نتیجه انقلاب هوا اجباراً بخاك طرف متعاهد دیگر پاره شده و در آنجا بگل نشسته و یا غرق شود مأمور قنصلگری مربوطه دولتی كه كشتی تابع آنست در غیاب صاحبان كشتی یا نمایندگان آنها و یا باحضور آنها در صورت تقاضای آنها مجاز خواهد بود برای امداد لازم باتباع دولت خود در پیشگاه مقامات محلی اقدام نماید.

(ماده نوزدهم)

هیچیک از مقررات این عهدنامه شامل سفین جنگی طرفین متعاهدین كه پذیرفتن آنها در آبهای ساحلی طرف متعاهد دیگر بموجب قوانین و نظامات جاریه همان مملكت تنظیم می شود نخواهد بود

(ماده بیستم)

(۱) هر يك از طرفین متعاهدین میتوانند ژنرال قنصلها و قنصلها و ویس قنصلهای کاربری و یا قنصلهای افتخاری برای توقف در شهرها و بنادر خاك و منصرفات طرف متعاهد دیگر كه در آنها همان نوع مأمورین دول دیگر عموماً مجاز بتوقف بوده و یا خواهند بود تعیین نمایند.

(۲) مشارالیهم بشرط معامله متقابل از همان حقوق و احترامات و معافیت ها و مصونیت های كه برای نمایندگان قنصولی دولت كامله الوداد شناخته شده بهره مند می شوند.

(ماده بیست و یکم)

(۱) نمایندگان قنصولی طرفین متعاهدین یا اشخاصیکه مجاز بجهت نشینی آنها می باشند هر نوع اختلافاتی را كه در دریا بوقوع پیوسته و یا در بنادر در كشتی های تجارتي مملكت خودشان بین خدا و صاحب منصبان و مستخدمین كشتی تولید می شود و همچنین اختلافات حاصله راجع به تسویه محاسبات و اجرای كشتیهای استخدامی را كه بین ناخدا و صاحب منصبان و اعضای كشتی برضایت طرفین منعقد گردیده تسویه می نمایند.

(۲) محاکم یا مقامات دیگر هر يك از طرفین متعاهدین هیچ عنوانی نمی توانند مداخلاتی در اختلافات مذكوره نمایند مگر اینکه آن اختلافات نوعی باشد كه نظم و آسایش عمومی را در ساحل و یا در بندر مختل سازد و یا اینکه از اتباع داخله در اختلافات مزبوره ذی مدخل باشند.

(ماده بیست و دوم)

(۱) نسبت به ژنرال قنصلها و قنصلها و ویس قنصلهای طرفین متعاهدین از طرف مأمورین محلی هر نوع كمكی كه بتوان قانوناً بعمل آورد برای استرداد اعضای فراری كشتی های مزبور مبذول خواهد گردید مشروط بر این كه فراریان مذکور از اتباع طرف متعاهد دیگر نباشند.

(۲) برای اینمقصود مشارالیهم باید كتباً رجوع بمقامات مربوطه مركزی و یا محلی نموده و استرداد فراریان را تقاضا نمایند.

مشارالیهم باید با ارائه دفاتر كشتی یا صورت اعضاء كشتی یا اسناد رسمی دیگر كشتی و در صورت فقدان این آنها سواد مستخرجه مصدق اسناد مزبوره مدلل سازند كه اشخاصی كه استرداد آنها تقاضا می شود حقیقتاً جزء اعضاء كشتی مزبور می باشند.

بر حسب تقاضائی كه باین ترتیب می شود هر نوع كمك برای تعقیب و توقیف فراریان مزبور بعمل آمده و مشارالیهم بر حسب تقاضای كتبی و بخرج ژنرال قنصلها و قنصلها و ویس قنصلها و مأمورین قنصلگریها در محاسبات مملكتی نگاه داشته می شوند تا وقتیکه برای قنصل آندولت موقع اعاده آنها بوطن خودشان پیش بیاید.

(۳) معذلك هر گاه چنین موقعی در عرض مدت دو ماه از تاریخ توقیف پیش نیاید فراریان مزبور آزاد خواهند شد بدون اینکه مجدداً بتوان آنها را برای همان موضوع توقیف نمود.

(۴) چنانچه شخص فراری در خاك مملكت متوقف فیها مرتكب جنایت یا جنحه شده باشد تسلیم او بقنصل یا مأمور قنصلگری بتأخیر خواهد افتاد تا اینکه محكمه صالحه حكم صادر کرده و آن حكم اجرا شده باشد.

(۵) بدیهی است مقررات این ماده شامل اشخاصی نخواهد بود كه تبعه مملكتی می باشند كه به آنجا فرار کرده اند.

(ماده بیست و سوم)

چنانچه پس از فوت یکی از اتباع نروژ اموالی در خاك ایران باقی مانده یا از یکی از اتباع ایران اموالی در نروژ باقی مانده و اشخاص ذوی الحقوق غیر معلوم و یا غائب بوده و نماینده نداشته باشند نمایندگان قنصولی آندولت حق خواهند داشت تقاضای مهر و موم كلید اثاثیه و اشیاء و كغذهای متوفی و همچنین برداشتن مهر و موم را از آنها بنمایند: نمایندگان قنصولی خودشان می تواند به تسویه ماترك مبادرت نموده و یا کسی را معین نمایند كه مبادرت باین امر بكنند اگر معلوم شد ذوی الحقوقی كه دارای تابعیت متوفی باشد وجود ندارد مداخله قنصلها پذیرفته نیست معذلك مندرجات این ماده سلب صلاحیت محاکم مملكتی كه اموال در آنجا وجود دارد نسبت باموری كه داخل در صلاحیت محاکم مزبوره می باشد نخواهد بود.

(ماده بیست و چهارم)

(۱) هیچیک از مقررات این عهدنامه مانع نخواهد شد كه هر يك از طرفین متعاهدین مقرراتی در هر موقع برای تنظیم و یا منع مهاجرت بخاك خود وضع نمایند مشروط بر اینکه این مقررات در حكم تبعیض نباشد كه بالاختصاص متوجه اتباع طرف متعاهد دیگر باشد مقررات این عهدنامه به هیچوجه خللی به حقوق هر يك از طرفین متعاهدین وارد نخواهد آورد كه اقامت اتباع طرف دیگر را در خاك خود قهراً کرده و آنها را مطابق قوانین و نظامات جاریه مربوطه به كلید اتباع خارجه اخراج نماید طرف دیگر تعهد میکند كه اتباع خود و ذمیل آنها را كه بطریق مذکور فوق اخراج شده اند در صورتیکه تابعیت آنها را قنصل صلاحیت دار تصدیق نماید به پذیرد حمل و نقل اشخاص اخراج شده تا سرحد مملكتی كه حكم اخراج را صادر نموده و یا تا بندر آن مملكت كه شخص اخراج شده از آنجا سوار كشتی می شود برعهده مملكت مشارالیه خواهد بود.

این عهدنامه نه بمقرراتیکه جنبه عمومی دارند و از طرف هر يك از طرفین متعاهدین راجع به شرایطی كه مطابق آن كارگران خارجی مجاز به اشتغال شغلی می شوند وضع شده و یا خواهد شد و نه بمقررات راجعه به تدارك خللی وارد نخواهد آورد.

(۲) مقررات این عهدنامه شامل مزایایی که از طرف نروژ به سوئد و دانمارک و ایسلاند داده شده و با داده خواهد شد تا وقتی که این مزایا به هیچ دولت دیگری داده نشده باشد نخواهد بود  
(۳) هیچیک از طرفین متعاهدین نمی‌توانند به استناد مقررات این عهدنامه مزایایی را که طرف متعاهد دیگر بهر دولت همجواری برای تسهیل معاملات سرحدی یا از لحاظ اتحاد گمرکی داده و یا خواهد داد دعوی نماید.

( ماده بیست و پنجم )

(۱) این عهدنامه به تصدیق رسیده و مبادله نسخ مصدقه آن در اسرع اوقات ممکنه در پاریس بعمل خواهد آمد  
(۲) این عهدنامه از تاریخ مبادله نسخ مصدقه بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و از آن تاریخ تا مدت پنجسال مجرا خواهد بود  
(۳) چنانچه شش ماه قبل از انقضای مدت پنجسال مزبور هیچیک از طرفین متعاهدین قصد خود را برای فسخ عهدنامه بطرف متعاهد دیگر اعلام ننمایند این عهدنامه تا انقضای مدت شش ماه بعد از تاریخی که یکی از طرفین متعاهدین آنرا فسخ نماید دارای اعتبار خواهد بود.  
بنام علیهذا اختیار داران طرفین متعاهدین این عهدنامه را امضاء و مهر نمودند.  
در پاریس بتاريخ هشتم مه ۱۹۳۰ در نسخین برانسه نوشته شد

امضاء حسین علاء

امضاء ودل یارلسبرگ

اجازه مبادله عهدنامه مودت و تجارت و بحریه‌مائی بین دولتین ایران و نروژ بشرح فوق در جلسه ۱۷ خردادماه ۱۳۱۱ داده شده است.  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

### اجازه تبدیل علاقه آب و خاکی آقای قوام در شیراز با رقبات خالصه دولت در نقاط دیگر

ماده واحده - بوزارت مالیه اجازه داده می‌شود کلیه علاقه آب و خاکی آقای میرزا ابراهیم خان قوام واقعه در ایالت فارس را بموجب قبایله رسمی رقبات خالصه دولت از زمین و آب و قنات و غیره واقعه در اشرف و سمنان و دامغان و نیشابور و کاشان و تورقوزآباد واقعه در غار بمآخذ معادله عوائد آنها (عایدی به عایدی) معاوضه نموده علاقه آب و خاکی مزبور را در دفتر رقبات خالصجات ملکیتی به ملکیت دولت ثبت کند و رقبات واگذار شده را به ملکیت آقای قوام بشناسد در موقع محاسبه هرگاه علاقه رقبای امایی عمل شده باشد بهره مالکانه سال ۱۳۱۰ آن ملاک عمل است و هرگاه به اجازه عمل شده باشد مال الاجاره سال ۱۳۱۱ آن چنانچه در نتیجه محاسبه مزبور عوائد علاقه آقای قوام بر عوائد رقبات دولتی مذکوره در این قانون زیادتی داشته باشد وزارت مالیه مجاز خواهد بود بهین مأخذ سابق الذکر تا میزان مابه‌التفاوت از رقبات خالصجات قاسم آباد شاهی ماقبل آباد و عالی آباد طیانچه واقعه در غار بر رقبات مفصله سابق الذکر که به ملکیت به آقای قوام منتقل می‌شود بیفزاید. هر یک از طرفین مکلف است املاک و رقبات واگذار را ثبت شده تسلیم طرف دیگر نماید و یا آنکه مخارج ثبت آنرا خود به‌عهده بگیرد.  
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هفدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر